

تحلیل داده‌های کیفی:

رویه‌ها و مدل‌ها

احمد محمدپور*

(تاریخ دریافت ۸۷/۱۰/۲۸، تاریخ تأیید ۸۸/۵/۵)

چکیده

روش‌های متعددی برای تحلیل داده‌های کیفی وجود دارند که روش تحلیل مردم‌نگارانه کلاسیک متعارف‌ترین شکل آن است. با وجود این، در خلال چند دهه اخیر رویه‌های نوین دیگری ارائه شده است که هرکدام بر نوع خاصی از داده‌های کیفی متمرکز شده است، کاربرد نرم‌افزارهای کامپیوتری در تحلیل داده‌های کیفی از جمله این رویه‌های جدید است. توجه و گسترش روزافزون استفاده از روش‌های کیفی در جامعه دانشگاهی کشور نه تنها مستلزم آشنایی با این روش‌شناسی و چگونگی طراحی و اجرای آن است، بلکه نیازمند آشنایی با رویه‌های تحلیلی این روش‌ها و استفاده از آنها می‌باشد. بر این اساس، این مقاله ابتدا به معرفی روش تحقیق کیفی، انواع، اصول پارادایمی و داده‌های آن می‌پردازد، سپس به شیوه مقایسه‌ای مدل‌ها و رویه‌های تحلیل داده‌های کیفی را مورد بررسی قرار می‌دهد. رویه‌های مورد بررسی شامل تحلیل تماتیک، تحلیل روایتی، تحلیل پدیدارشناختی، تحلیل محتوای کیفی، تحلیل مکالمه، تحلیل نشانه‌شناختی، تحلیل گفتمان، تحلیل مردم‌نگارانه انتقادی و تحلیل داده‌های مشاهده‌ای می‌باشند. در بررسی هر یک از این رویه‌ها، ضمن پرداختن به اصول، مبانی عملی و نقاط تمرکز آنها، به برخی مطالعات موردی داخلی مرتبط نیز اشاره شده است.

کلیدواژه‌ها: پارادایم تفسیری، روش‌شناسی تحقیق کیفی، داده‌های کیفی، رویه‌ها، مدل‌های تحلیل کیفی.

* استادیار دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول ۰۹۱۸۳۷۱۲۷۲۴). a.mohammadpur@basu.ac.ir

مجله انسان‌شناسی، دوره دوم، سال یکم، شماره پیاپی ۱۰، بهار و تابستان ۱۳۸۸، ص. ۱۲۷-۱۶۰.

مقدمه

تحلیل داده‌های کیفی همواره یکی از مسائل اساسی روش‌شناسان و محققان کیفی و نیز دانشجویانی است که در این سنت روش‌شناختی کار می‌کنند. پیدایش و گسترش روش‌شناسی کیفی در خلال چند سال اخیر در جامعه علوم اجتماعی و انسانی ایران موضوع مناقشات و مجادلات ضمنی نظری و روشی متعددی بوده است. وجود رشته انسان‌شناسی، که به‌طور سنتی با روش کیفی در قالب مردم‌نگاری و کار میدانی پیوند دارد، و علاقه به کاربرد برخی روش‌های تحقیق کیفی چون تحلیل‌گفتمان و مطالعات موردی کیفی بیانگر آن است که می‌توان به گسترش و کاربرد این روش‌شناسی در آینده‌ای نه‌چندان دور در ایران امیدوار بود. برخلاف ابعاد گوناگون روش‌شناسی کیفی، از قبیل طرح تحقیق کیفی، روش‌های گردآوری داده‌ها و نظایر آن، هنوز رویه‌های تحلیلی انواع داده‌های کیفی، واحدهای تحلیل و چگونگی درک این داده‌ها جهت دستیابی به آنچه رویکرد تفسیرگرایی توصیف عمیق می‌خواند، چندان واضح و مشخص نیست.

محققانی که به سنت کیفی علاقه‌مندند و کار می‌کنند، عموماً با توده وسیعی از داده‌های میدانی - متنی گردآوری شده روبه‌رو می‌شوند که «سردرآوردن» از آن‌ها را با مشکل مواجه می‌کند. بسیاری از این داده‌ها به‌طور سنتی و براساس پرسش‌های عمده تحقیق در قالب رویه‌های کلاسیک تحلیل کیفی، یعنی در قالب استفاده از نقل قول، الصاق تصاویر درون متن و یا ارجاعات کلی به داده‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این میان بسیاری از داده‌ها نامناسب، غیرقابل استفاده و اضافی به نظر می‌رسند، در حالی که عملاً چنین نیست. برخی داده‌ها ممکن است به شیوه‌های دیگری از نظر معنایی و یا شکلی در بخش‌های مختلف گزارش تحقیق تکرار شوند. از همه مهم‌تر این‌که، بحث و نتیجه‌گیری در چنین گزارشات تحقیقی به دلیل گستردگی، بی‌نظمی و فقدان ساخت تحلیلی بسیار دشوار است.

بنابراین، عموماً این‌گونه به نظر می‌رسد که روش تحقیق کیفی رویه یا رویه‌های مشخصی برای تحلیل داده‌ها ندارد. لذا ممکن است اکثر گزارشات تحقیقی، کسالت‌آور، دارای بحث‌های بدیهی، توصیفی و داستان‌نما به نظر برسند. حال آن‌که وجود طیف وسیعی از رویه‌های تحلیلی که در خلال چند دهه اخیر توسعه و گسترش یافته‌اند، این ادعا را رد می‌کند. بر همین اساس، مقاله حاضر به معرفی و بررسی مدل‌ها و رویه‌های تحلیل داده‌های کیفی می‌پردازد. ابتدا به اختصار به تعریف روش تحقیق کیفی، مبانی و اصول نظری آن، طبقه‌بندی انواع روش‌ها و داده‌های کیفی پرداخته، سپس به شکلی تطبیقی، مهم‌ترین اصول و مبانی اساسی رویه‌های تحلیل داده‌های کیفی مورد بحث قرار می‌گیرند. مدل‌ها و رویه‌های تحلیلی مورد بحث در این

مقاله عبارتند از: تحلیل مردم‌نگارانه تماتیک^۱، نظریه زمینه‌ای^۲، روش تحلیل روایتی^۳، تحلیل محتوای کیفی^۴، تحلیل مکالمه^۵، تحلیل پدیدارشناسی^۶، تحلیل نشانه‌شناختی^۷، تحلیل گفتمان انتقادی^۸ و تحلیل مردم‌نگاری انتقادی^۹. مقاله حاضر این رویه‌ها را در پنج محور داده به مثابه امر موضوعی، داده به مثابه نظریه‌ای مکنون، داده به مثابه روایت، معنا و نشانه، داده به مثابه نقد، و داده‌های مشاهده‌ای مورد بررسی قرار می‌دهد. در خلال بررسی هر یک از این رویه‌های تحلیلی به برخی مطالعات موردی داخلی محققان کشور اشاره شده است؛ با وجود این، تأکید می‌شود که در هیچ یک از مطالعات مذکور از این روش‌ها به صورت مدون، منظم و روشمند استفاده نشده است، با وجود این، در برخی جهات می‌توان ابعادی از راهبردهای تحلیلی مورد بحث در مقاله را در آن‌ها یافت.

روش تحقیق کیفی: مبانی و اصول پارادایمیک

تحقیق کیفی عموماً به هر نوع تحقیقی اطلاق می‌شود که یافته‌های آن از طریق فرایندهای آماري و با مقاصد کمی‌سازی^{۱۰} به دست نیامده باشد (Corbin, Jand A.Staruss,2007). داده‌های این نوع تحقیق از طریق مشاهده، مصاحبه و یا تعاملات شفاهی گردآوری شده و متمرکز بر معانی و تفاسیر مشارکت‌کنندگان در آن است. این نوع تحقیق تحقیقی است که اطلاعات خود را با ارجاع به عقاید، ارزش‌ها و رفتارها در بستر متنی و اجتماعی به دست می‌آورد. روش تحقیق کیفی، برخلاف عنوان آن، یک روش واحد و منسجم نیست. بر همین اساس، تعاریف متعددی از این روش ارائه شده است. در زیر به یکی از جامع‌ترین تعاریف موجود از روش کیفی اشاره می‌شود:

تحقیق کیفی در نقطه تمرکز خود چندروشی و متضمن رهیافت تفسیری - طبیعت‌گرایانه به موضوع مورد مطالعه است. این بدان معناست که پژوهشگران کیفی اشیا را در محیط‌های طبیعی خود مطالعه کرده و تلاش می‌کنند پدیده‌ها را برحسب معنایی که افراد به آن‌ها می‌بخشد معنادار کرده و تفسیر کنند. تحقیق کیفی مستلزم کاربرد و گردآوری طیفی از مواد تجربی - مطالعه موردی، تجربه شخصی، درون‌نگری، داستان زندگی، مصاحبه، متون مشاهده‌ای،

- | | |
|-----------------------------------|---------------------------------|
| 1. Ethnographic Thematic Analysis | 2. Grounded Theory |
| 3. Narrative Analysis | 4. Qualitative Content Analysis |
| 5. Conversation Analysis | 6. Phenomenological Analysis |
| 7. Semiotic Analysis | 8. Critical Discourse Analysis |
| 9. Critical Ethnographic Analysis | 10. Quantification |

تاریخی و تصویری - است که لحظات و معانی عادی و چالش‌برانگیز در زندگی افراد را تشریح می‌کند.

از این رو، نقطه تمرکز تحلیل داده‌های کیفی را می‌توان با ارجاع به تعریف فوق و نیز توجه به ابعاد پارادایمیک تفسیرگرایی درک کرد. بر این اساس، هدف تحلیل داده‌های کیفی درک جهان طبیعی کنشگران، رویدادها و پدیده‌های اجتماعی، همان‌طور که در محیط طبیعی اتفاق می‌افتند، است. بنابراین هدف این نوع تحلیل استخراج و استنباط معانی، ذهنیت‌ها و میان‌ذهنیت‌ها، نظام معنایی مشترک و لایه‌های زیرین ادراک است. میدان‌های معنایی مورد بررسی در تحقیق کیفی می‌توانند از یک میدان طبیعی (برای مثال، روستا، سازمان و...) تا یک متن یا قطعه روایت را شامل شود.

از نظر پارادایمی، تحقیق کیفی اصولاً مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی - برساخت‌گرایی اجتماعی است، اما در خلال چند دهه اخیر از سوی سایر پارادایم‌های غیراثباتی از جمله پارادایم‌های انتقادی، فمینیستی، و پست مدرنیستی و حتی پسا اثبات‌گرایی نیز به کار گرفته شده است. مواضع پارادایمی تفسیری همه مراحل تحقیق کیفی از طرح مسئله تا تحلیل داده‌های کیفی را جهت می‌دهد.

(Maxwell, 2004; May, 2002; Denzin, 2005; Newman, 2006; Berg, 2006).

پارادایم تفسیری از نظر خاستگاه فلسفی ریشه در نظریات کانت، دیلتای و هوسرل و از نظر جامعه‌شناختی مبتنی بر اندیشه‌های وبر، شوتز، مید، بلومر، برگر و لاکمن است. بر همین اساس این پارادایم از مکاتبی چون پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی، تاویل‌گرایی کلاسیک و مدرن، زبان‌شناسی اجتماعی و سایر دیدگاه‌های خردنگر جامعه‌شناسی نشأت گرفته است. به علاوه، حوزه انسان‌شناسی اجتماعی و فرهنگی با تأکید بر کار میدانی، مردم‌نگاری و درک نظام معنایی^۱ و ذهنی فرهنگ‌ها از طریق غوطه‌وری،^۲ اتخاذ رهیافت امیک^۳ (نگاه از درون) و مشاهده مشارکتی سهم عمده‌ای در پیدایش و گسترش این پارادایم داشته است. پارادایم تفسیری در خلال چند دهه اخیر و به‌ویژه از دهه ۱۹۷۰ از اهمیت چشمگیری برخوردار شده و توانسته است با به‌کارگیری روش‌شناسی کیفی سهم عمده‌ای در تولید معرفت معاصر داشته باشد (Haralambos, Mand M. Holborn, 2002; Turner and al: 2003; Charmaz: 2006; Blaikie: 2007). جدول شماره ۱ به‌طور خلاصه به ارائه مشخصه‌های پارادایمی و نحله‌های نظری مرتبط با روش تحقیق کیفی پرداخته است.

1. Meaning System
3. Emic

2. Immersion

جدول شماره ۱. مشخصه‌های پارادایمی و نحله‌های نظری روش تحقیق کیفی

مواضع پارادایمی	عناصر پارادایمی	شرح
موضع هستی‌شناختی	ماهیت واقعیت اجتماعی	واقعیت اجتماعی تعاریف سیال از یک واقعیت مشخص است که در خلال تعاملات انسانی و اجتماعی ساخته می‌شوند. واقعیت اجتماعی حاصل توافقات نمادین-کنشی و معنایی هستند.
	ماهیت انسان	انسان به مثابه موجودی اجتماعی که معنا را خلق کرده و پیوسته به جهان‌ش معنا می‌بخشد، انسان خلاق به واقعیات سیال معنا می‌بخشد.
	عاملیت انسان	انسان دارای اراده قدرتمند و آزادی انتخاب است، اصالت انسان.
موضع معرفت‌شناختی	جهت‌گیری معرفتی	جهت‌گیری عملی‌آدانش به کمک می‌کند که به‌طور تجربی و عینی جهان‌های زندگی و تجربیات خود را ساخته، جهان‌های دیگران را پذیرفته و در آن‌ها سهیم شوی.
	نقش شعور متعارف	شعور متعارف نظریات روزمره قدرتمندی هستند که مورد استفاده مردم عادی می‌باشند. شعور متعارف بنیان‌های دانش علمی را فراهم می‌سازد. تأویل مضامین تفسیر تفسیرها.
	جایگاه ارزش‌ها	ارزش‌ها ذاتی و بخش لاینفک زندگی اجتماعی هستند، ارزش‌های هیچ گروهی اشتباه نیستند، منتها متفاوت هستند. ارزش‌های اجتماعی بخش جدایی‌ناپذیر تحقیق هستند.
موضع روش‌شناختی	دلایل پژوهش مکان‌یابی شواهد	تفهیم، درک و تشریح کنش اجتماعی معنادار شواهد و مدارک کیفی در بستر تعاملات اجتماعی سیال و ظاهراً عادی جا یافته‌اند.
	کیفیت و برزش تبیین	تبیین باید مستدل باشد، به عبارت دیگر، از نظر کسانی که مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، درست به نظر رسد؛ اعتبار پاسخگو، قابلیت اعتماد
	نوع روش مورد استفاده	روش‌های کیفی لمردم‌نگاری نظریه‌زمینه‌ای/روایی/گفتمانی/میدانی/ پدیدارشناسی تحلیل محتوای کیفی و...
نحله‌ها	تأویل‌گرایی کلاسیک	شلاپر، ماخر، دیلتای
	پدیدارشناسی	برنتانو، هوسرل، مرلو-پونتی، هایدگر
	جامعه‌شناسی تفسیری	ویر، شوتر، گیدنز، گیرتز
	زبان‌شناسی تفسیری	وینچ، ویتگنشتاین، داگلاس
	کنش متقابل نمادین‌گرایی	مید، کولی، بلومر
	نظریه نقش	گافمن
	تأویل‌گرایی مدرن	گادامر، ریکور
	برساخت‌گرایی	برکر، لاکمن، کلاس، آنزلم اشتروس، هوشیلد

مأخذ: براساس کروتی ۱۹۹۸؛ شات ۲۰۰۴؛ نیومن ۲۰۰۶؛ بلیکی ۲۰۰۷؛ هامرسلی و اتکینسون ۲۰۰۷

جدول شماره ۲. عمده‌ترین روش‌های تحقیق کیفی

رشته/حوزه	نویسنده	سنت‌های کیفی
علوم تربیتی	ژاکوب (۱۹۷۸)	روان‌شناسی محیطی، مردم‌نگاری کل نگر، انسان‌شناسی شناختی، مردم‌نگاری، ارتباطات تعامل‌گرایی نمادین
پرستاری	میشل و اوپلر (۱۹۸۶)	پدیدارشناسی، نظریه زمینه‌ای، مردم‌نگاری، تحقیق تاریخی
علوم تربیتی	انسلی (۱۹۹۳)	رویکردهای انسان‌شناختی، رویکردهای جامعه‌شناختی، مطالعات موردی، گزارشات شخصی، مطالعات شناختی، بررسی‌های تاریخی
جامعه‌شناسی و	اشتروس و	نظریه زمینه‌ای، مردم‌نگاری، پدیدارشناسی، تواریخ
پرستاری	کوربین (۱۹۹۰)	زندگی، تحلیل مکالمه
پرستاری	مورس (۱۹۹۴)	پدیدارشناسی، مردم‌نگاری، علم مردمی، نظریه زمینه‌ای
روان‌شناسی	موستاکاس (۱۹۹۴)	مردم‌نگاری، نظریه زمینه‌ای، تأویل، تحقیق پدیدارشناسی تجربی، تحقیق پدیدارشناسی متعالی
علوم اجتماعی	دنزین و لینکلن (۱۹۹۴)	مطالعات موردی، مردم‌نگاری، پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی، روش تفسیری، نظریه زمینه‌ای، بیوگرافی، تاریخی، تحقیق کلینیکی
علوم اجتماعی	میلز و هابرمس (۱۹۹۴)	تفسیرگرایی، انسان‌شناسی اجتماعی، تحقیق اجتماعی مشارکتی
روان‌شناسی	اسلیف و ویلیامز (۱۹۹۵)	مردم‌نگاری، پدیدارشناسی
علوم اجتماعی معاصر، (انسان‌شناسی و جامعه‌شناسی)	دنزین و لینکلن (۲۰۰۵)، پانچ (۲۰۰۵)، اتکینسون و همکاران (۲۰۰۷)، نیومن (۲۰۰۶)	مطالعات موردی، مردم‌نگاری، پدیدارشناسی، روش‌شناسی مردمی، روش تفسیری، نظریه زمینه‌ای، بیوگرافی، اتوبیوگرافی، تاریخی تطبیقی، تاریخچه‌های زندگی، روش اسنادی، تحلیل محتوای کیفی، تحلیل مکالمه، تاریخ شفاهی، روش روایتی، روش گفتمانی، روش گفتمان انتقادی

مأخذ: براساس کراسول ۱۹۹۸؛ سیل ۱۹۹۸؛ سینگلتنون ۲۰۰۵؛ دنزین و لینکلن ۲۰۰۵؛ نیومن ۲۰۰۷؛

هامرسلی و همکاران ۲۰۰۷

تحقیق کیفی به مثابه یک چتر روشی دارای روش‌های تحقیق متعددی است. هر یک از روش‌شناسان و محققان برخی از روش‌های تحقیقی را در زیر این چتر قرار داده‌اند. بر این اساس، جدول شماره ۲ به برخی از این روش‌ها، محققان و حوزه‌های مورد استفاده آن اشاره می‌کند.

رویه‌ها و مدل‌های تحلیل داده‌های کیفی

داده‌های کیفی تفاوت‌های اساسی با داده‌های کمی دارند و لذا آن‌ها را بایستی با روش‌های تحلیلی خاص روش‌شناسی کیفی مورد تحلیل قرار داد. به‌طور کلی، تحلیل داده‌های کیفی از چهار جهت با تحلیل داده‌های کمی متفاوت می‌باشد:

۱. محقق کمی مجموعه‌ای مشخص و استاندارد از تکنیک‌های تحلیلی را انتخاب می‌کند. فرضیه‌آزمایی و روش‌های آماری در پروژه تحقیق اجتماعی یا در خلال علوم اجتماعی و طبیعی تفاوت‌های اندکی با هم دارند و تحلیل کمی عمدتاً مبتنی بر ریاضیات کاربردی است، درحالی‌که تحلیل کیفی کمتر استاندارد بوده و به میزان زیادی خلاقانه است.

۲. محققان کمی تحلیل داده‌ها را تا زمانی که همه داده‌ها گردآوری نشده و به عدد تبدیل نشوند شروع نمی‌کنند. از این‌رو آن‌ها اعداد را دستکاری کرده تا الگوها و روابط را دریابند. در حالی‌که محققان کیفی می‌توانند تحلیل‌ها را در حین گردآوری داده‌ها انجام دهند و نزد آن‌ها نتایج تحلیل‌های اولیه داده‌ها، گردآوری داده‌های بعدی را به‌دنبال داشته باشد.

۳. تفاوت سوم در رابطه با نظریه اجتماعی است. محققان کمی نظریه‌هایی را آزمون می‌کنند که از نظر آن‌ها بیانگر واقعیات تجربی جهت آزمون یک فرضیه انتزاعی با سازه‌های متغیر است. در مقابل، محققان کیفی نظریه و مفاهیم جدید را به‌وسیله ترکیب شواهد تجربی و مفاهیم انتزاعی می‌سازند. در واقع، آن‌ها به جای نظریه‌آزمایی نظریه‌سازی^۲ می‌کنند.

۴. درجه یا فاصله از جزئیات زندگی اجتماعی. در کل فرایند تحلیل داده‌ها، محقق کیفی داده‌های خام را در قالب مقولاتی معنایی قرار می‌دهد که به شناسایی و آشکارسازی الگوها کمک کند، حال آن‌که محقق کمی این فرایند را با آمار پوشش می‌دهد.

بر این اساس، تحلیل داده‌های کیفی عبارت است از جست‌وجوی الگوها در داده‌ها (Newman, 2007). در این نوع تحلیل، نظریه توصیفی از الگوهاست که می‌توان آن‌ها را در داده‌ها یافت (Auerbach, C and L. Silverstein, 2003: 31). برای تحلیل داده‌های کیفی روش‌های متعددی ارائه شده است. از آن‌جا که تحقیق کیفی به مطالعه پیچیدگی‌ها، معانی و ابعاد وسیع زندگی اجتماعی می‌پردازد، لذا روش‌های متعدد و متفاوتی نیز برای تحلیل داده‌های کیفی

پیشنهاد شده است. تنوع و گوناگونی روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به این معناست که سؤالات متفاوتی وجود دارند که باید پرسیده شوند و نسخه‌های متفاوتی نیز از واقعیت وجود دارند که می‌توانند تشریح و واکاوی شوند. این روش‌ها گاهی به هم مرتبط، گاهی متداخل و گاه متناقض و ناسازگار به نظر می‌رسند (Coffey.A and P.Atkinson, 1996: 14; Punch.K, 2004: 194). داده‌های کیفی در طیف وسیعی دسته‌بندی می‌شوند که هر دسته از آن‌ها مستلزم به کارگیری روش یا روش‌های تحلیلی خاصی است. جدول شماره ۳، انواع داده‌های کیفی را نشان می‌دهد که به‌طور کلی در دو نوع متنی و مشاهده‌ای دسته‌بندی شده‌اند.

جدول شماره ۳. انواع داده‌های کیفی

نوع داده	زیر-داده	موارد
متنی	متنی تولیدشده	داده‌های مصاحبه‌ای، روایت‌های زنده، تاریخ شفاهی
	(متنی - شنیداری)	زندگی، خاطرات، روزنامه‌ها و مجلات، نامه‌ها، داستان‌ها و روایات
مشاهده‌ای	متون مکتوب	نامه‌ها، اسناد و مدارک اداری، گزارشات
	(متنی - دیداری)	یادداشت‌های میدانی پراکنده، یادداشت‌های میدانی مشاهده‌ای
	مشاهده‌ای	متنی شده
	مشاهده‌ای ناب	تصاویر، فیلم‌ها، کروکی‌ها و...

میلز و هابرم (Mills and Huberman, 1994)، سه رهیافت متفاوت در ارتباط با تحلیل داده‌های کیفی ارائه کرده‌اند که شامل رهیافت تفسیری، رهیافت انسان‌شناسی اجتماعی-مردم‌نگاری و رهیافت پژوهش اجتماعی مشارکتی می‌باشد. فلدمن (Feldman, 1995) نیز روش‌های تحلیل داده‌های کیفی را در چهار دسته روش‌شناسی مردمی، نشانه‌شناسی، تحلیل نمایشی و ساختارشکنی مورد توجه قرار می‌دهد. کرسی (۱۹۵۰) و بلور (۱۹۷۸) نیز از تکنیک عمومی استقراء تحلیلی یاد می‌کنند (Punch.K, 2004: 197). سیلورمن نیز به شیوه‌ای متفاوت به چهار روش تحلیل داده‌های کیفی با عناوین نظریه زمینه‌ای، روش تحلیل روایتی، روش تحلیل مکالمه و تحلیل گفتمان اشاره می‌کند (Silverman, 2005: 152). کراسول (۱۹۹۸) نیز روش‌های بیوگرافی، پدیدارشناسی، نظریه زمینه‌ای، مطالعه موردی و مردم‌نگاری را به عنوان پنج روش گردآوری و تحلیل داده‌های کیفی معرفی کرده است.

از این روش‌ها و شیوه‌های متعددی برای تحلیل داده‌های کیفی توسط صاحب‌نظران کیفی ارائه شده است. این روش‌ها می‌توانند به‌صورت جداگانه و همچنین مکمل و هم‌زمان نیز به کار

روند. جدول شماره ۴ ضمن ارائه این شیوه‌ها به برخی از جزئیات آن‌ها نیز به‌طور اجمالی پرداخته است.

علی‌رغم وجود رهیافت‌های گوناگون تحلیلی و نیز اصول متفاوت آن‌ها در زمینه مراحل و رویه‌های تحلیلی، مراحل مشترک و متداولی در بین رویکردهای مختلف تحلیل داده‌های کیفی وجود دارد که عبارتند از ۱. تعیین و تعریف نوع رهیافت تحلیلی، ۲. طبقه‌بندی داده‌ها، ارتباط دادن مقولات متفاوت داده‌ای، و ۳. ارائه نتایج نهایی (Fielding and Fielding, 1985; Shank, 2006: 146).

بر همین اساس، در ادامه این مقاله برای شناخت بیشتر شیوه‌های متعدد تحلیل داده‌های کیفی، آن‌ها را در دو طیف روش‌های تفسیری، و روش‌های انتقادی دسته‌بندی کرده‌ایم، روش‌های تفسیری در قالب هفت محور شامل: داده به مثابه امر موضوعی، داده به مثابه نظریه‌ای مکنون، به مثابه روایت، به مثابه معنا، به مثابه امر تعاملی، به مثابه تجربه، به مثابه نشانه؛ و روش‌های انتقادی در قالب دو محور شامل داده به مثابه نقد، و داده به مثابه امر ایدئولوژیک، دسته‌بندی شده‌اند. سپس، رویه‌های تحلیل داده‌های مشاهده‌ای نیز به‌طور اجمالی مورد بررسی قرار خواهیم داد.

الف. روش‌های تفسیری تحلیل داده

۱. تحلیل تماتیک: داده به مثابه امر موضوعی

از آن‌جا که در همه شیوه‌های تحلیل داده‌های کیفی موضوعی^۱ یا تماتیک (در قالب طبقه‌بندی، شاخص‌بندی و سنخ‌بندی داده‌ها) از اهمیت زیادی برخوردار است، ابتدا این رویکرد مورد بحث قرار می‌گیرد. این نوع تحلیل یکی از متعارف‌ترین و پرکاربردترین روش‌های تحلیل داده‌های کیفی به‌ویژه مردم‌نگاری است که در سایر رهیافت‌ها تحلیلی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش ضمن این‌که خود یک روش مستقل تحلیلی است، می‌تواند در روش‌های تحلیلی دیگر نیز به‌کار رود. این نوع تحلیل مخصوصاً در نظریه زمینه‌ای از اهمیت زیادی برخوردار است. داده‌های مورد تحلیل در روش تماتیک شامل داده‌های متنی، مصاحبه‌ها و داده‌های مشاهده‌ای متنی شده هستند. روش تماتیک یکی از شایع‌ترین روش‌های مورد استفاده در تحلیل داده‌های کیفی در بین محققان کشور است، که عمدتاً به صورت طبقه‌بندی‌های ساده، تحلیل‌های کلی، و نتایج عمومی ارائه می‌شود. در میان کارهای مرتبط با این نوع تحلیل می‌توان به بررسی ایمان و محمدپور (۱۳۸۳) با عنوان «فرایند و پیامدهای نوسازی در کردستان ایران:

1. Thematic Analysis

جدول شماره ۴. شیوه‌های عمده تحلیل داده‌های کیفی

رک داده	روش‌های تفسیری							رهیافت
	داده به مثابه امر موضوعی	داده به مثابه نظریه‌مکتون	داده به مثابه روایت	بمعنه	امر تمامی	تجربه	نشانه	
داده به مثابه امر موضوعی	داده به مثابه نظریه‌مکتون	داده به مثابه روایت	بمعنه	امر تمامی	تجربه	نشانه	داده به مثابه نقد	داده به مثابه امرایندولوپویک
تحلیل تماتیک	نظریه‌زمینه‌ای	تحلیل روایتی	تحلیل محتوای کیفی	تحلیل مکالمه	تحلیل پدیدارشناسی	تحلیل نشانه‌شناسی	تحلیل گفتمانی	تحلیل مردم‌شناسی
مردم‌شناسی	جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی	فلسفه	زبان‌شناسی	زبان‌شناسی	جامعه‌شناسی
جامعه‌شناسی	جامعه‌شناسی	روان‌شناسی	روان‌شناسی	روان‌شناسی	مردم‌شناسی	مردم‌شناسی	مردم‌شناسی	مردم‌شناسی
نوع داده	مشاهده‌ای، متنی	مشاهده‌ای، متنی	متنی	متنی	متنی	متنی	متنی	مشاهده‌ای، متنی
تحلیل داده	تفسیر و معنادر کردن یافته‌ها	کدگذاری و گزینشی، خط داستان، ارائه ماتریس شرایطی	یافتن الگوها و معانی	یافتن محتوای درون‌متنی	یافتن واحدهای گفتاری و معانی الصاق شده	توصیف متنی، ساختاری و کلی	یافتن نشانه‌ها و خوشه‌ها و میدان‌های نشانه‌ای	یافتن مجاری و منابع و فرایندهای قدرت
بازنمایی	ارائه روایت گونه، جداول و طرح‌های مستدل	توصیف ضخیم، ارائه یک مدل تصویری، ارائه قضایای تئوریکی	ارائه روایتی مبتنی بر فرایندها، طرح‌های بی‌نظیر و خاص زندگی	ارائه واحدها و نسخه‌های محتوایی، الگوهای مننایر	الگوهای گفتاری، درون‌متنی، طبقه‌بندی نسخه‌های گفتار در تعامل	روایت جوهری و تجربه، جداول عبارتی و معنایی	ارائه مدل‌ها و دیاگرام‌های نشانه‌شناسی و موقعیت‌یابی و بازنمایی	عبارات مفصل و ضخیم از روابط قدرت در معانی و موقعیت‌ها، ارائه قضایا و مدل‌ها

مطالعه موردی شهرستان سردشت؛ «تحقیق قلبی پور و همکاران (۱۳۸۶: ۱۴۱) در زمینه «بررسی صحت و سقم کلیشه‌های منفی زنان در سازمان‌ها» و همچنین، مطالعه راودراد (۱۳۸۶: ۷۹) درباره «سینمای دینی ایران: مقایسه فیلم‌های کویر، و قدمگاه» اشاره داشت که تا حدی به این روش تحلیل نزدیک شده‌اند. با وجود این، کارهای فوق اصولاً رویه‌ها و مراحل خاص این نوع تحلیل را دنبال نکرده‌اند. لذا، در ادامه به صورت منظم و سازمان یافته به این روش پرداخته می‌شود.

تحلیل تماتیک عبارت از تحلیل مبتنی بر استقراء تحلیلی می‌باشد که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون داده‌ای و برون داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیلی دست می‌یابد. در تعریفی دیگر، تحلیل تماتیک عبارت است از عمل کدگذاری^۱ و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این نوع تحلیل در وهله اول، به دنبال الگویابی

1. Coding

در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی تم‌ها^۱ از داده‌ها نشأت می‌گیرند (Fielding Fielding, 1986; Gabrium, 1998).

پاز تحلیل موضوعی نسخه‌های متعددی وجود دارد. دپوی و ژیتلین (۲۰۰۵)، نسخه‌ای طبیعت‌گرا از تحلیل تماتیک ارائه داده‌اند. این نوع رهیافت، که خاص مطالعات میدانی است، شامل دو مرحله است. مرحله اول، خود شامل چهار زیر مرحله است که البته می‌تواند و ممکن است به‌طور هم‌زمان نیز صورت گیرد. این زیر مرحله‌ها شامل: ۱. درگیری در تفکر قیاسی-استقرایی به‌طور هم‌زمان؛ در این مرحله محقق بر پیوستار امیک (نگاه از درون میدان-متن) و اتیک (نگاه از بیرون میدان-متن) حرکت می‌کند، ۲. ساخت و تدوین مقولات؛ این مقولات از طریق فرایند کدبندی متعارف صورت می‌گیرد. در ابتدا مفاهیم اولیه و سپس مقولات اساسی (کدبندی متمرکز^۲) صورت می‌گیرد، ۳. گروه‌بندی مقولات در سطوح بالاتر ارتزاع؛ مقولات را می‌توان مجدداً براساس منطق مقایسه معنایی به سطوح بالاتری از ارتزاع ارتقا داد و ۴. کشف معانی و تم‌های زیرین است. مرحله دوم، در حقیقت آماده کردن گزارش تحقیق می‌باشد (Depoy and Gitlinz, 2005).

ولکات (Wolcott, 2005 & 2008) نیز طرح تماتیک ساده‌ای ارائه داده است. وی فرایند تحلیل داده‌ها را دارای سه مرحله عمومی توصیف، تحلیل و تفسیر می‌داند. در مرحله توصیف، داده‌ها در یک نظم و پیوستار زمانی قرار می‌گیرند. نظم مذکور می‌تواند براساس نظر محقق و یا فرد مشارکت‌کننده در تحقیق باشد. در مرحله تحلیل، داده‌ها سازماندهی، تنظیم و مقوله‌بندی می‌شوند، این مرحله از تحلیل را «بعد کمی تحقیق کیفی» می‌نامد. در مرحله تفسیر، تفاسیر اصلی صورت می‌گیرد. این تفسیر عمدتاً با رویکرد مقایسه انجام می‌شود. استریبرگ (Esterberg, 2002) نیز طرح تحلیلی تماتیک نسبتاً مفصل‌تری ارائه کرده است. وی در طرح خود به پنج مرحله به صورت زیر اشاره می‌کند:

۱. مدیریت داده‌ها

این مرحله به تنظیم و سازماندهی داده‌ها اختصاص دارد و شامل جداسازی انواع داده‌های موجود، قرار دادن داده‌ها در یک نظم زمانی، سازماندهی براساس عنوان، نوع داده و یا نوع سند و تهیه فهرست یا کتابچه می‌باشد.

۲. درگیری^۱ با داده‌ها

در این مرحله محقق تلاش می‌کند مقدمات تحلیل و سنخ‌شناسی داده‌ها را با انجام دادن یک سری مراحل کدگذاری فراهم کند:

الف. کدگذاری: این مرحله نخستین و مهم‌ترین مرحله درگیری و درک داده‌هاست. یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های کدبندی باز توجه به خلاصه‌هاست. خلاصه‌ها در همه مراحل تحلیل از کدبندی باز تا متمرکز به محقق کمک می‌کند اندیشه‌ها و تصمیمات خود را در زمینه تحلیل نهایی شکل دهد.

ب. توسعه تم‌ها: تم‌ها مجموعه کدهای تکراری هستند که در خلال کدبندی باز ظهور می‌یابند.

ج. کدبندی متمرکز: این نوع کدبندی مستلزم حرکت خط‌به‌خط است، اما این بار محقق بر تم‌هایی متمرکز می‌شود که در کدبندی باز آن‌ها را یافته است.

در ارتباط با مرحله کدگذاری، امرسون و همکاران (Emerson, Fretz and Shaw, 1995)

مجموعه سؤالاتی به شرح ذیل پیشنهاد نموده‌اند که در خلال کدبندی صورت می‌گیرد:

○ سؤالات درباره رویدادها: چه رخ داده است؟ یک رویداد چطور آغاز شده است؟ چطور به پایان می‌رسد؟

○ سؤالات درباره زمان: نخست چه شد؟ بعد؟ سپس؟

○ سؤالات درباره محیط: این محیط به چه شباهت دارد؟ در این جا چه خبر است؟

○ سؤالات در مورد افراد: چه کسانی درگیر هستند؟ آن‌ها به چه شبیه هستند؟

○ سؤالات درباره فرایندها: مردم در صدد انجام دادن چه کاری هستند؟ این کار را چطور انجام

می‌دهند؟

○ سؤالات درباره جریان‌ها و موضوعات: مسائل کلیدی این مردم چه هستند؟ چه چیزی

برای آن‌ها مهم است؟ آن‌ها چطور آن‌چه را که برای شان مهم است تشریح می‌کنند؟ از چه زبانی استفاده می‌کنند (ibid, 1995; Patton, 2001).

۳. ترسیم داده‌ها^۲

در این مرحله مقولات، تم‌ها و الگوهای یافته‌شده در قالب نقشه‌های داده‌ای^۳ و دیاگرام‌های

مفهومی^۴ به تصویر کشیده می‌شوند (Esterberg, 2002: 164).

1. Engagment

2. Data Display

3. Data Map

4. Conceptual Framwork

۴. توسعه تحلیل

در این مرحله تحلیل‌های مبتنی بر مقولات و تم‌ها آغاز شده و توسعه می‌یابند. این مرحله خود شامل دو زیرمرحله است؛

- الگویابی: در این جا محقق به دنبال الگوهای است که از داده‌ها ظهور می‌کنند.
- مقایسه موارد و بازخورد جهت پالایش یا تغییر مقولات نوظهور: زمانی که یک سری الگوها ظهور یافتند، باید موارد را با یکدیگر مقایسه نمود، هر مورد به واحد تحلیل محقق بستگی دارد. اگر داده‌های شما مصاحبه است، پس مصاحبه‌شونده مورد را شکل می‌دهد. کوربن و اشتروس (Corbin and Staruss, 2007) این مرحله را روش تطبیقی ثابت^۱ می‌خوانند و از دو نوع عمده مقایسه در این مرحله نام می‌برند: ۱. مقایسه الگوها یا رویدادها با یکدیگر: این نوع از مقایسه، رویدادها و الگوهای بعدی را به عنوان بازخورد مقولات و نتایج برگرفته از رویدادهای قبلی به دست می‌دهد. با بررسی تشابهات و تفاوت‌ها بین انواع الگوها و رویدادها، محقق می‌تواند هم شروعی برای نظریه و هم فرایند کدگذاری پالایش شده را یک‌جا فراهم سازد، ۲. مقایسه نظری: در این جا محقق به مقولاتی علاقه‌مند است که رویدادها یا الگوها به آن‌ها تعلق دارند، این مقولات گاهی سراسر هستند اما گاهی استعاری یا انتزاعی (Charmaz, 2006).

۵. سنخ‌شناسی

این مرحله آخرین گام تحلیل است. در این جا، محقق الگوها را دسته‌بندی کرده و برحسب تفاوت‌ها و شباهت‌ها آن‌ها را سنخ‌بندی می‌کند (Esterberg, 2002: 168). علاوه بر این مراحل، از مرحله دیگری تحت عنوان «تعیین اشباع^۲ تماتیک» به عنوان آخرین مرحله نام برده می‌شود. بدین معنی در نهایت تحلیل تماتیکی باید به اشباع برسد. اشباع عبارت است از همگرایی مفهومی؛ محقق باید بررسی کند که آیا کدها، تم‌ها، الگوها و سنخ‌شناسی‌ها تا حد امکان از نظر مفهومی اشباع شده‌اند یا خلاً مفهومی وجود دارد (Shank, 2006: 150). میلز و هابرم (Mills and Huberman, 1994) نیز نسخه دیگری از تحلیل تماتیک ارائه داده‌اند که به زبان کمی نزدیک‌تر بوده و به صورت مکانیکی تری نسبت به نسخه استربرگ انجام می‌شود. آن‌ها یک مدل سلسله مراتبی از معنادار کردن داده‌های کیفی ارائه کرده‌اند که در سه سطح عمومی شامل تقلیل داده‌ها، نمایش داده‌ها و استنباط و تأیید داده‌ها اجرا می‌شود (Punch.K, 2004: 197).

1. Constant Comparative Method

2. Saturation

مرحله اول. سطح تقلیل^۱: در این مرحله یافتن «تم‌های بنیادی»، خوشه کردن و الگوی بخشی به داده‌ها و یک سری عملیات روان‌شناختی صورت می‌گیرد که ساده‌ترین آن‌ها تبیین‌های توجیهی است. اما عملیات پیچیده‌تری نیز چون کاربرد استعاره‌ها، مقایسه‌ها و تقابل‌ها صورت می‌گیرد. در این مرحله، ابتدا کدگذاری اولیه (به صورت کدهای توصیفی و استنباطی) صورت می‌گیرد. سپس در مرحله دوم کدگذاری الگویی صورت می‌گیرد. یک کد الگویی^۲، یک کد استنباطی یا متا-کد^۳ است. به دنبال مرحله کدگذاری الگویی، مرحله تحلیل استقرایی صورت می‌گیرد. در این فرایند، تحلیل‌های اولیه شکل می‌گیرند. به تبعیت از منطق تحلیل تماتیک، فرایند خلاصه‌نویسی باید در تمام مراحل کدگذاری دنبال شود. این خلاصه‌نویسی به قول گلاسر (Glaser, 1978) می‌تواند یک جمله، پاراگراف، و یا چند صفحه باشد.

مرحله دوم. سطح نمایش داده‌ها^۴: هدف این مرحله از تحلیل جست‌وجوی متغیرها و ارتباط بین آن‌هاست. دو نوع نمایش داده به صورت نمایش درون‌موردی و نمایش بین‌موردی از یکدیگر قابل تفکیک هستند:

۱. نمایش درون‌موردی^۵: هدف از نمایش درون‌موردی سازماندهی به نظم یافته شده در یک مورد معین یا نظم درونی است. محقق درصدد یافتن نظم یا آن دسته از متغیرهایی است که به آن نظم شکل می‌بخشند. این کار به قول میلز و هابرم (Mills and Huberman, 1994)، در دو گام صورت می‌گیرد: گام اولیه، نمایش داده‌ها با کاوش و تشریح داده‌ها ارتباط دارد. در این گام، سازماندهی داده‌ها و شروع کار خلق آنچه متن تحلیلی خوانده می‌شود صورت می‌گیرد. گام دوم، فرارفتن از مرحله کاوش و توصیف است. در این مرحله، نظم بخشی و پیش‌بینی آغاز می‌شود. مدل‌سازی علی و شبکه‌های علی^۶ مهم‌ترین بخش این فرایند هستند (Shank, 2006: 154).

یکی از روش‌های نمایش درون‌موردی، «روش بستر-چارت»^۷ است. بستر-چارت، عبارت از فهرستی از عناصر یا رفتارهای کلیدی مشاهده شده در درون یک مورد است. این عناصر از عوامل میدان تحقیق تا عوامل اجتماعی کلان را شامل می‌شود. روش دیگر، «روش ماتریس چک لیست»^۸ است. در این شیوه تعیین می‌شود که کدام متغیرها در طول زمان اهمیت داشته‌اند. بنابراین هدف از آن رتبه‌بندی یا نظم بخشی به عناصر براساس معیار زمان است. میلز و هابرم

1. Reduction

2. Pattern Code

3. Meta-CODE

4. Data Display

5. Within-Case Display

6. Causal Network

7. Context-Chart

8. Checklist Matrix

به سه نوع عمده سازمان‌بخشی به مقولات در نمایش‌های درون موردی به صورت زیر اشاره کرده‌اند:

- زمان - تنظیم شده^۱: پیوستار زمانی حوادث
- نقش - تنظیم شده^۲: مردم و نقش‌های آن‌ها در درون میدان تحقیق اهمیت دارند.
- مفهوم - تنظیم شده^۳: زبان متغیرها اهمیت دارد و نقشه‌های شناختی مهم‌ترین نوع از این قسم هستند.

۲. نمایش بین‌موردی^۴: این نوع نمایش به محقق کمک می‌کند که به ویژگی‌های تاریخی و زمانی مشخصی وارد شود. در این مرحله داده‌های برگرفته از هر یک از موارد معین با یکدیگر همراه شده و برای تمرکز بر نظم‌بخشی به کار می‌روند. در این جا نیز مجدداً یک‌سری نمایش‌های اکتشافی و توصیفی و سپس نمایش‌های تبیینی و پیش‌بینی‌کننده ارائه می‌شوند. در این مرحله دو راهبرد به صورت زیر مطرح است:

○ ماتریس تأثیرات مورد منظم شده^۵: در این ماتریس فرض می‌شود که موارد به عنوان علل عمل می‌کنند. و ما انواعی از تأثیراتی را که از طریق هر متغیری به دست می‌آوریم تبیین می‌کنیم. هدف این استراتژی یافتن تأثیراتی است که موارد می‌توانند ایجاد کنند.

○ ماتریس برون‌داد-پیش‌بینی‌گر منظم شده^۶: در این ماتریس تلاش می‌شود که موارد با ارجاع به متغیرهای پیش‌بینی‌گر مورد علاقه تبیین شوند، سپس سعی می‌شود موارد به عنوان برون‌دادهای این متغیرها در عمل منطبق شوند.

مرحله سوم. تفسیر و استنتاج: در این مرحله محقق می‌تواند با توجه به داده‌های پردازش شده کیفی خود دست به تفسیر و استنتاج بزند. میلز و هابرم (Mills and Huberman, 1994) چهار شیوه زیر را برای تأیید معنا و تفاسیر ارائه شده عنوان کرده‌اند:

۱. وزن بخشی به شواهد: کدام داده‌ها دست اول و دست دوم، رسمی یا غیررسمی، ضعیف و گران‌مایه و... هستند.

۲. تأیید منطقی: آزمون اگر-پس^۷ می‌تواند رابطه بین متغیرها را روشن سازد.

۳. راهبرد تاکتیکی: شامل کنترل معنای داده‌های پرت^۸.

۴. بازخورد مطلعان و افراد درگیر (Mills and Huberman, 1994; Shank, 2006: 152-4).

- | | |
|--------------------------------|--|
| 1. Time-Ordered | 2. Role-Ordered |
| 3. Concept-Ordered | 4. Cross-Case Display |
| 5. Case-Ordered Effects Matrix | 6. Case-Ordered Predictor-Outcome Matrix |
| 7. If-Then | 8. Outlier |

سیلورمن (Silverman, 2005) بر این باور است که گرچه داده‌های عمده تحلیل تماتیک را داده‌های متنی - مصاحبه‌ای تشکیل می‌دهد، اما داده‌های مشاهده‌ای که در قالب یادداشت‌های میدانی گردآوری شده‌اند نیز می‌توانند مستقیماً در فرایند طبقه‌بندی و تحلیل قرار گیرند. وی همچنین خاطرنشان می‌سازد که این یادداشت‌ها می‌توانند دارای کارکردهای دیگری نظیر:

۱. شناسایی و دنبال کردن فرایندها در حوادث دیده شده، ۲. درک این‌که مردم درگیر چگونه خودشان فعالیت‌ها، رویدادها و گروه‌بندی‌ها را مشخص و تشریح می‌کنند، ۳. استفاده و انتقال تبیین‌های بومی در این مورد که چه وقت، چرا و چطور رویدادها اتفاق می‌افتند، و نیز نظریه بومی اعضا درباره علل رویدادها و پیامدهای آن و ۴. شناسایی مسائل عملی، شرایط و فشارهای موجود در میدان یا پدیده از رویکرد درون‌نگرانه افراد درگیر می‌باشد (Silverman, 2005: 174).

مدل دیگر تحلیل تماتیک به مدل تحلیل میدان اجتماعی لوفلند و همکاران (Lofland and et al, 2005) موسوم است که از بسیاری جهات با مدل میلز و هابرمین اشتراک دارد. این مدل دارای هفت مرحله به صورت زیر می‌باشد:

مرحله اول: روش قالب‌بندی. هدف عمده این راهبرد، فرمول‌بندی قضایای عمومی است که در بخش عمده‌ای از داده‌ها نظم ایجاد کرده و آن‌ها را جمع می‌کند. در این زمینه، هشت شکل از قضایا به صورت زیر ارائه شده است.

۱. نوع: برای مثال X وجود دارد.
۲. فراوانی‌ها: X در واحدهای Y در مکان‌های ۱، ۲ و ۳ و در دوره زمانی Z رخ می‌دهد.
۳. حجم: X.... برابر Y است، قوت یا شدت را نشان می‌دهد.
۴. ساختارها: X برحسب ۱، ۲ و ۳ ساخت می‌یابد.
۵. فرایندها: X فرایندی با مراحل ۱، ۲ و ۳ به نمایش می‌گذارد.
۶. علل: X معلول عوامل ۱، ۲ و ۳ است.
۷. پیامدها: X دارای پیامدهای ۱، ۲ و ۳ است.
۸. عاملیت: در X مردم استراتژی و تاکتیک‌های ۱، ۲ و ۳ را به کار می‌برند (ibid: 183).

تعداد قضایا در یک مطالعه به مدت زمان اقامت محقق در یک میدان تحقیق و میزان داده‌های گردآوری شده، مراحل اجرای پروژه، تعداد و مقیاس گزارش‌هایی که فرد آن‌ها را آماده کرده و یا کامل می‌کند، بستگی دارد.

مرحله دوم، راهبرد کدگذاری است که پیش‌تر در مورد آن بحث شد. کدبندی و

شرحواره‌نویسی، هسته اصلی این نوع تحلیل و همه تحلیل‌های تماتیک است. کدها ابزارهای بنیادی تحلیل تماتیک هستند.

مرحله سوم، فرایند مقوله‌بندی، تنظیم داده‌ها و استخراج تم‌ها از کدهای اولیه است.

مرحله چهارم، شرحواره‌نویسی می‌باشد.

مرحله پنجم: دیاگرام‌سازی داده‌ها می‌باشد. این بخش خود شامل سنخ‌بندی کردن، ماتریس‌سازی افقی و عمودی^۱، چارت‌سازی مفهومی، فلوچارت^۲ و شبکه‌های مفهومی علی^۳ است.

مرحله ششم، سنخ‌شناسی یا نوع‌شناسی داده‌هاست. این‌که انواع موضوعات عام چه هستند؟

مرحله هفتم، تفکر انتقادی است. در این مرحله محقق باید به بازنگری عبارات، عبارت‌بندی مجدد، تغییر دیاگرام‌ها، مقایسه ثابت، بازاندیشی افراط‌ها و تقابل‌ها، گفت‌وگو با همکاران تحلیل، بازنگری طرح و خودداری از قضاوت بپردازد (Lof-land and etal, 2005:195-7).

۲. تحلیل نظریه زمینه‌ای: داده به مثابه نظریه‌ای مکنون

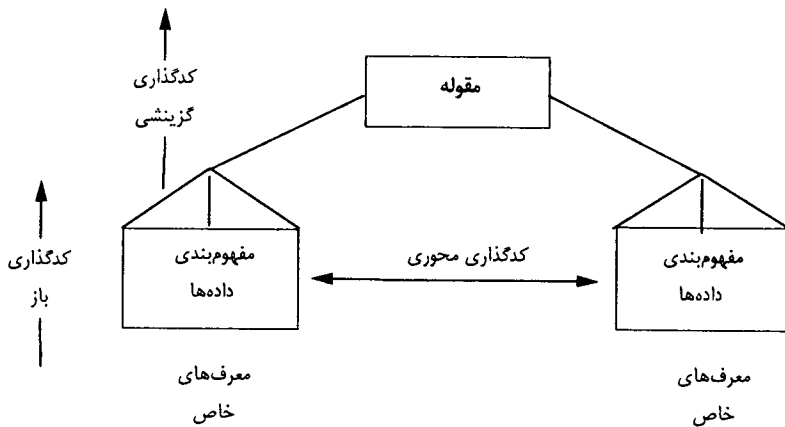
طبق نظر گلاسر، داده‌های مورد استفاده در نظریه زمینه‌ای باید تجربه^۴ باشند، بدین معنا که محقق شخصاً به صورت عینی و تجربی درگیر عملیات گردآوری اطلاعات باشد. فرایند ایجاد نظریه زمینه‌ای از همان ابتدای شروع پژوهش تا پایان آن به صورت مداوم ادامه دارد. نظریه زمینه‌ای در میدان پژوهش تنظیم شده و داده‌های حاصل از مشاهده و مصاحبه را به کار می‌گیرد. ماهیت استقرایی این نظریه به‌ویژه باعث خلاقیت و آزادی عمل محقق شده و فرایند پژوهش را بسیار انعطاف‌پذیر می‌سازد (مورس، ۲۰۰۱: ۷).

نظریه زمینه‌ای یک نظریه مسئله‌محور است و مبتنی بر ارتباط دادن مراحل و گام‌هایی است که به ایجاد ساختار نظری یک مسئله کمک می‌کند. در فرایند ساخت نظریه زمینه‌ای، داده‌های گردآوری شده به مفاهیم کدگذاری شده تبدیل و در یک پیوستار فرایندی به هم متصل می‌شوند. این نظریه یک نظریه بُرد متوسط، انتزاعی و مبتنی بر یک مقوله تحلیلی هسته^۵ است (Maxwell, 2004; Ritchie and Lewis, 2005). نظریه زمینه‌ای به‌گونه‌ای مشابه با پدیدارشناسی یک‌سلسله رویه‌های تحلیلی را به کار می‌گیرد. این رویه‌ها شامل کدبندی باز، محوری و گزینشی هستند. نظریه زمینه‌ای رویه‌ای برای مفهوم‌بندی داده‌ها (کدگذاری باز)،

- | | |
|-----------------------------------|-----------------|
| 1. Vertical and Horizontal Matrix | 2. Follow Chart |
| 3. Causal Conceptual Network | 4. Experiential |
| 5. Core Category | |

مقوله‌بندی و ارتباط دادن بین مقولات (کدبندی محوری)، ساخت «داستان» که مقولات را به یکدیگر مرتبط می‌سازد (کدبندی گزینشی) و پایان بخشیدن به آن با مجموعه‌ای گفتمانی از قضایای نظری (مدل پارادایمی) است.

شکل شماره ۱. فرایند تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از رویه نظریه زمینه‌ای



مأخذ: پانچ، ۲۰۰۵: ۲۱۳.

در این شیوه تحلیل، محقق ابتدا با بررسی داده‌ها و طبقه‌بندی آن‌ها در قالب داده‌های متنی و مشاهده‌ای و نیز با ارجاع به سؤال یا سؤالات تحقیق آغاز می‌کند. سپس مراحل کدگذاری را به تفکیک سؤال یا سؤالات تحقیق شروع می‌نماید. در مرحله اول یا کدگذاری باز، محقق به بررسی متن (شامل دست‌نوشته‌ها، یادداشت‌ها و اسناد) جهت مفاهیم مکنون در اطلاعات می‌پردازد. با استفاده از رهیافت مقایسه‌های ثابت محقق تلاش می‌کند تا مفاهیم را «اشباع» سازد. وی به دنبال مواردی می‌گردد که مفاهیم را بازنمایی کرده و تا زمانی که اطلاعات جدیدی پیدا نشود، به این کار ادامه می‌دهد. این مفاهیم شامل زیرمقولات یا مفاهیمی هستند که آن‌ها را ذخائر می‌نامند. این ذخائر نمایانگر رویکردهای متعدد درباره مقولات می‌باشد. به علاوه، این ذخائر دارای ابعاد نیز هستند، یعنی روی یک پیوستار قرار دارند، در این مرحله تقلیل داده‌ها صورت می‌گیرد. کدبندی باز می‌تواند به صورت سطر به سطر، عبارت به عبارت، یا پاراگراف به پاراگراف و یا صفحه به صفحه انجام شود. چنانچه واحد کدبندی سطر باشد، به هر یک از

سطرها یا جملات، مفهوم یا کدی الصاق می‌شود. این کد یا مفهوم باید بتواند حداکثر فضای مفهومی و معنایی آن را پر کند. در این مرحله، تمام اطلاعات کدبندی می‌شوند. در هر مرحله از تولید کد، محقق می‌تواند برای هر کد اولیه شرح‌واره‌نویسی مختصری کرده و از آن‌ها در ساخت مقولات عمده استفاده کند. در فرایند کدگذاری باز، محقق باید براساس حساسیت نظری مفاهیمی را دنبال کند که در فرایند تحلیل دارای ارزش بازنمایی و تحلیلی بیشتری هستند. مفاهیم برگرفته از این طریق را تحت‌عنوان نمونه‌گیری نظری می‌خوانند. در این نوع نمونه‌گیری محقق هم در میدان مطالعه و هم در فرایند کدبندی داده‌ها (مرحله کدگذاری باز و نیز مرحله کدگذاری محوری)، از مفاهیم، معانی و رویدادها نمونه‌گیری می‌کند. این فرایند تا زمان اشباع داده‌ها ادامه می‌یابد (Glaser, 1998, 1978, 1967; Corbin and Staruss, 2007).

زمانی که مجموعه‌ای از مفاهیم (کدها) اولیه استخراج شدند، مفاهیم مشترک براساس مقایسه‌های ثابت (تشابهات و تفاوت‌ها) در قالب مقولات عمده دسته‌بندی می‌شوند. این فرایند را کدگذاری محوری می‌خوانند. سپس مقولات عمده براساس ابعاد شرایطی، تعاملی/ فرایندی و پیامدی دسته‌بندی شده و در یک خط داستان به یکدیگر مرتبط شده و به نگارش درمی‌آیند. خط داستان^۱ باید مقولات عمده را به صورت منطقی و تحلیلی به دنبال هم فهرست‌وار توضیح داده و هر کدام را در ارتباط با دیگری و سپس در ارتباط با همدیگر قرار دهد. این فرایند به تنظیم تحلیلی و منطقی داده‌ها کمک کرده و زمینه را برای کدگذاری گزینشی و استخراج مقوله^۲ هسته فراهم می‌سازد. بعد از اتمام خط داستان، مقوله‌ای تحت‌عنوان «مقوله محوری یا هسته» و یا پدیده محوری استخراج می‌شود. در این مرحله محقق شرایطی را که بر این پدیده مرکزی تأثیر می‌گذارد، راهبردهای عنوان شده در پدیده، بستر و شرایط متداخل‌کننده‌ای که این شرایط را شکل می‌دهند، و پیامدهای انجام دادن این راهبردها را در قالب یک پارادایم معنایی سه بعدی ترسیم می‌کند. این مرحله را کدگذاری گزینشی می‌نامند. در این مرحله محقق یک پارادایم کدبندی یا مدل نظری ارائه می‌دهد که به شکل تصویری روابط متقابل این مقولات محوری را نشان می‌دهد (Creswell, 1998; Charmaz, 2006; Corbin and Staruss, 2008).

۳. تحلیل روایتی: داده به مثابه روایت

تحلیل روایتی از همان ابتدا به‌طور کل‌گرا با داده‌های کیفی برخورد می‌کند. بسیاری از داده‌های کیفی «به‌طور طبیعی» در شکل داستان بیان می‌شوند. برای مثال، مشاهده مشارکتی یا مصاحبه، یا حتی در برخی موارد داستان‌های شفاهی و مصاحبه‌های مردم‌نگارانه، داده‌هایی به

1. Story Line

شکل روایتی و داستانی دارند. این داده‌ها ویژگی داستانی دارند مانند مصاحبه‌های باز که در آن مردم پاسخ‌های خود را داستان‌وار می‌دهند. به علاوه، داستان‌ها خود شیوه‌های برای تشریح تجربه زیسته افراد هستند (Punch, 2005: 217). علاقه به استفاده از این روش در بین محققان داخلی به کندی صورت گرفته است، لذا مطالعات انجام شده چندانی در این زمینه وجود ندارند؛ بیشتر این مطالعات در حوزه‌های ادبیات و شعر، آن‌هم به گونه‌ای بسیار متفاوت با منطق خاص این تحقیق صورت گرفته‌اند. در بین مرتبط‌ترین مطالعات داخلی انجام شده به این روش می‌توان به کار عبداللهیان و همکاران (۱۳۸۵: ۵۷) و ذکائی (۱۳۸۷: ۶۹) اشاره کرد، که البته مورد دوم بیشتر جنبه نظری دارد. با وجود این، همان‌طور که گفته شد، ادبیات پژوهشی در این حوزه روشی بسیار ضعیف و نابالغ است.

روش روایتی که از برخی جهات مبتنی بر تحلیل تماتیک است به شیوه‌های گوناگونی می‌تواند اجرا شود. در واقع روایات هرچند دارای عناصر عموماً مشترکی هستند، تفاوت‌های جزئی در بین شیوه‌های تحلیل داده‌های روایتی وجود دارد. مهم‌ترین مشخصه‌ها و اجزای مشترک بین همه روایات عبارتند از:

۱. خلاصه: مقدمه و علائم آغاز یک داستان است.
 ۲. جهت‌گیری: اطلاعات بنیادی را فراهم می‌سازد. چه کسی درگیر بود؟ چه اتفاقی افتاد؟ چه زمان و کجا؟
 ۳. پیچیدگی: بیانگر پیچیده‌شدن خط روایت است. بعداً چه چیزی رخ داد؟ حوادث چطور به یکدیگر مرتبط هستند؟
 ۴. ارزیابی: به این سؤال پاسخ می‌دهد: «برای چی؟»، «چرا مهم است؟»
 ۵. نتایج: در نهایت چه چیزی رخ می‌دهد؟
 ۶. پایان: به شنونده می‌گوید که داستان در حال اتمام است (Esterberg, 2002: 184).
- برخی مفهوم ژانر^۱ روایتی را برای بحث در مورد ویژگی‌های روایت‌ها به کار می‌گیرند. این مفهوم که از مطالعات ادبی اقتباس شده است به عنوان الگویی از روایت یا تصور روایتی تعریف می‌شود و چهارچوبی فراهم می‌سازد که از نظر فرهنگی مشترک است و می‌تواند برای ساختاربخشی به رویدادها و تجربیات به کار رود، به طوری که معنادار شده و به سادگی رد و بدل می‌شود. ژانر برای خواننده روایت به عنوان «افق‌های انتشار» و برای نویسنده به عنوان «افق‌های نگارش» عمل می‌کند (Elliott, 2005: 46).
- لیبلیچ و همکاران (۱۹۹۸) طرح ساده‌ای در تحلیل روایت ارائه می‌دهند که در آن دو مرحله

می‌تواند دنبال شود. در مرحله اول تحلیل‌ها بر شکل یا محتوای یک روایت متمرکز می‌شوند و در مرحله دوم، گرامر و ساختار دستوری به صورت مقوله‌ای مورد بررسی قرار می‌گیرند. الیوت (Elliott, 2005) نیز خاطر نشان می‌سازد که در تحلیل روایتی می‌توان به تأثیرات علی و فرایندی روایت‌ها نیز توجه کرد. از این نظر، وی به تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، علل تقریبی و علل بنیادی، شناخت مکانیسم‌ها و مدل‌های معنایی در تحلیل روایت‌ها اشاره دارد (ibid: 97 & 115).

۴. روش پدیدارشناسی: داده به مثابه تجربه

در حالی که روش روایتی عمدتاً به بررسی تجربیات فردی می‌پردازد، روش پدیدارشناسی درصدد درک لایه‌های عمیق معنایی تجربیات زیسته تعدادی از افراد در رابطه با یک مفهوم یا پدیده است. این روش به بررسی ساختار آگاهی در تجربیات انسانی می‌پردازد. روش مذکور مبتنی بر آرای هوسرل، هایدگر، سارتر، مرلو-پونتی^۱ است و دارای چهار قاعده بازگشت به وظایف سنتی فلسفه، فلسفه بدون پیش فرض و قضایای پیشین، نیت‌مندی^۲ آگاهی، و رد تقابل ذهنیت و عینیت می‌باشد (Creswell, 1998: 52-53). لذا از این روش به ویژه در مطالعات پرستاری، روان‌شناسی، و روان‌کاوی، و به طور کلی حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی به وفور استفاده می‌شود. برای مثال، عادل مهربان و همکاران (۱۳۸۷: ۱۱۹) در تحقیقی با عنوان «تجارب روانی بیماران دارای استوما (کلستومی)، یک مطالعه پدیدارشناسی» از این روش به خوبی بهره گرفته‌اند.

موستاکاس (Moustakas, 1994) و کراسول (Creswell, 1998: 150) مراحل و طراحی انجام دادن روش تحلیل پدیدارشناسانه نوعی را چنین برمی‌شمارند:

۱. ابتدا محقق با توصیفی کامل از تجربه خودش در مورد پدیده تحت بررسی آغاز به تحلیل می‌کند.

۲. محقق عباراتی (در مصاحبه‌ها) در مورد این که افراد چگونه آن موضوع را تجربه می‌کنند پیدا می‌کند. وی این عبارات مهم را فهرست کرده (افقی سازی^۳ عبارات) و سپس هر یک از این عبارات را با ارزش یکسان مدنظر قرار می‌دهد. وی تلاش می‌کند گزاره‌های تکراری و نامتداخل را فهرست نماید.

۳. این عبارات سپس توسط محقق به «واحد‌های معنا^۴» گروه‌بندی می‌شود. وی واحد‌های مذکور را فهرست کرده و توصیفی از «بافت‌های متنی تجربه^۵» (توصیف متنی) می‌نگارد.

1. Merlo-ponty

2. Intentionality

3. Horizontalization

4. Meaning Unit

5. Experience Texture

۴. در این مرحله، محقق توصیف خود را بیان کرده و از تنوع تخیلی و توصیف ساختاری استفاده می‌کند، یعنی جست‌وجوی همه معانی ممکن. در رویکردهای واگرا، قالب‌های مرجح پدیده را تغییر داده و توصیفی از چگونگی پدیده تجربه شده می‌سازد.

۵. سپس محقق یک توصیف کلی از معانی و ماهیت پدیده تجربه شده به دست می‌دهد.

۶. این فرایند در ابتدا برای گزارش تجربه محقق دنبال می‌شود و سپس برای هر یک از مشارکت‌کنندگان اجرا می‌شود. در نهایت یک توصیف «تصنیفی و ترکیبی» از همه توصیفات جداگانه به نگارش در می‌آید.

۵. تحلیل محتوای کیفی: داده به مثابه معنا

روش دیگر تحلیل داده‌های متنی روش تحلیل محتوای کیفی است. در این روش، که برخی آن را یکی از روش‌های تحلیل روایتی تعریف می‌کنند، هدف بررسی محتوای درون متنی است. از آن‌جا که تحلیل محتوا در بین محققان کشور عمدتاً با روش کمی پیوند خورده است، لذا مطالعات بسیار زیادی به روش تحلیل محتوای کمی صورت گرفته است. بر همین اساس، به همان اندازه استفاده از روش تحلیل محتوای کیفی ناشناخته مانده است. در تحلیل روایتی محقق نوعاً با مجموعه‌ای از اصول آغاز کرده و درصدد استخراج معنا از متن با قواعد و اصولی ویژه است. چنین تحلیلی در یک رهیافت متنی کیفی باقی می‌ماند، در حالی که در تحلیل محتوای کیفی، عناصر متنی شمارش می‌شوند. از این‌رو شیوه اخیر تقلیل‌گراتر و به رویکرد اثباتی نزدیک‌تر است. در اهمیت این شیوه تحلیل می‌توان به گفته بروس برگ (Berg, 2006: 307) اشاره کرد که «شمارش^۱» عناصر متنی برای شناسایی، سازماندهی، شاخص‌بندی و خلاصه‌سازی داده‌ها بسیار اساسی است.

برای آغاز یک تحلیل محتوای کیفی باید سطح و واحد تحلیل مشخص شود. واحد تحلیل ممکن است در سطح کلمات، جملات، عبارات، پاراگراف‌ها، بخش‌ها، فصل‌ها، کتاب‌ها، نویسندگان، مواضع ایدئولوژیکی یا هر چیز دیگری باشد، سپس تحلیل تماتیک و مقوله‌سازی انجام می‌گیرد. برای مقوله‌بندی داده‌ها می‌توان از روش کدگذاری نظریه زمینه‌ای گلاسر استفاده نمود. در یک تحلیل محتوای کیفی می‌توان هفت عنصر عمده یعنی کلمات، تم‌ها (یک جمله ساده)، کاراکترها (افراد و تعداد تکرار آن‌ها)، پاراگراف‌ها، اقلام (واحد کل بیان فرستنده)، مفاهیم و نشانه‌ها را شمارش و طبقه‌بندی نمود. سپس بایستی طبقات و مقولات را از یکدیگر تفکیک کرد. در این‌جا سه طبقه متفاوت با عناوین طبقات مشترک، طبقات خاص و طبقات نظری (طبقاتی که در جریان تحلیل داده‌ها ظهور می‌یابند) وجود دارند (Berg, 2006: 316).

1. Counting

به‌طور کلی به‌منظور انجام دادن یک تحلیل محتوای کیفی نوعی مراحل شامل ۱. تعیین مواد متنی، ۲. تحلیل خاستگاه متن، ۳. تشخیص رسمی مواد، ۴. تعیین مسیر تحلیل، ۵. تفکیک نظری سؤالاتی که باید پرسیده شوند، ۶. انتخاب تکنیک تحلیلی، ۷. تعریف واحد تحلیل، ۸. تحلیل مواد و ۹. تفسیر نهایی پیشنهاد شده است.

۶. تحلیل مکالمه: داده به مثابه امر تعاملی

در کنار روش تحلیل محتوای کیفی، از روش تحلیل مکالمه نیز استفاده می‌شود. این نوع تحلیل گرچه امروزه دارای کاربرد فراوانی در تحلیل داده‌های کیفی است، اما به هر دلیل از سوی محققان کشور با کمترین توجه روبه‌رو شده است، لذا بر اهمیت استفاده از این روش به‌ویژه در حوزه داده‌های مصاحبه‌ای تأکید می‌گردد.

فرض بنیادی این شیوه تحلیلی آن است که مردم یک جامعه دارای رویه‌های خاصی برای معنابخشی به زندگی روزمره خود هستند. در این زمینه، زبان به عنوان رابطه و واسطه جهان اجتماعی بسیار مهم است. سیلورمن (Silverman, 2005) سه فرض بنیادی این روش را توجه به سازمان ساختاری گفت‌وگو، سازمان توالی گفت‌وگو و نیاز برای بسترمندی تجربی تحلیل عنوان می‌کند. به پیروی از این مفروضات، در استفاده از مکالمات ضبط شده، تحلیل مکالمه تولید و سازمان‌دهی موقعیت یافته گفت‌وگو را مطالعه کرده و درک «از پایین به بالا»^۱، چگونگی تأثیرات بستر بر تولید واقعیت از سوی مشارکت‌کنندگان یا «گفت‌وگو-در-تعامل»^۲ را توسعه می‌دهد (وتهرل، ۲۰۰۱: ۵۲؛ سیلورمن، ۲۰۰۵). در این روش نیز با تأکید بر داده‌های متنی گفت‌وگویی مراحل مختلفی شامل عنوان مسئله، فرمول‌بندی، و شاخص‌بندی متن (ارجاع معنا به موقعیت) پیشنهاد شده است.

۷. روش تحلیل نشانه‌شناختی: داده به مثابه نشانه

در یکی دو دهه اخیر، برخی روش‌شناسان کیفی بر ابعاد نشانه‌شناختی متن تأکید دارند. از این‌رو، روش تحلیل نشانه‌شناختی گسترش بسیاری یافته است، لذا مطالعات متعددی نیز در این زمینه وجود دارند که سعی بر آن داشته‌اند تا حد ممکن از این روش و جزئیات روشی آن استفاده کنند؛ برای مثال می‌توان به کارهای سعیدی (۱۳۸۷: ۵۳) با عنوان «تحلیل نشانه‌شناختی یک نگاره» (گذر فریدون از اروند)، کار توفان (۱۳۸۵: ۱۳۲) در زمینه «تحلیل نشانه‌شناختی شب و روز اثر پن رز»، مطالعه موسوی لر و همکاران (۱۳۸۷: ۱۱۱) با عنوان «کاربرد نمادهای گیاهی در طراحی نشانه‌های معاصر ایران» اشاره کرد، که در برخی موارد به‌خوبی از این روش استفاده کرده‌اند. به هر حال، این روش در خلال چند دهه اخیر از سوی روش‌شناسان

کیفی به عنوان یک روش تحلیل مهم داده‌های کیفی مورد توجه قرار گرفته شده است (Manning, 1987; Punch, 2005: 225). در این نوع تحلیل، زبان به عنوان یک نظام نشانه‌ای نمادین تعریف می‌شود که در آن هر نشانه‌ای در راستای معنابخشی به نشانه دیگری است. بررسی نظام‌های گوناگون نشانه مانند ریاضیات، موسیقی، مناسک نمادین، علائم خیابانی و مانند آن را می‌توان با استفاده از تحلیل نشانه‌ای انجام داد. این روش مبتنی بر تحلیل زبان در متنی که خوانده می‌شود است (Mitchell, R., ۱۹۹۳؛ Titscher و همکاران، ۲۰۰۵: ۱۲۵).

ایده اساسی در این روش آن است که تجلیات ظاهری معنای خود را از ساختارهای زیرین می‌گیرند. از این رو استفاده از این روش برای بررسی زبان‌شناختی متون اعم از یک متن نوشته شده یا میدان مطالعه شده در روش‌های کیفی بسیار مفید و مرسوم است (Mitchell, 1993). در این روش هدف یافتن رابطه‌هایی است که معنا را تولید می‌کنند. استعاره‌ها، بسترها و ظرف‌ها، و تضادها از جمله مهم‌ترین این رابطه‌ها هستند. فلدمن (Feldman, 1995) سه نوع تکنیک نشانه‌شناختی را در تحقیقات کیفی با عناوین خوشه‌بندی نشانه‌ای، زنجیره نشانه‌شناختی، و میدان نشانه‌شناختی از یکدیگر باز می‌شناسد (ibid: 22-39). به قول مانینگ (Manning, 1987) این سه تاکتیک پرکاربردترین اشکال تحلیل داده‌های کیفی در حوزه نشانه‌ها در علوم اجتماعی است.

ب. روش‌های انتقادی تحلیل داده

۱. تحلیل گفتمان: داده به مثابه نقد

شیوه دیگر تحلیل داده‌های کیفی توجه به کلمات، جملات و مشخصه‌های زبانی و به عبارتی تمرکز بر شیوه کاربرد زبان است. زبان چطور به کار می‌رود؟ برای چه به کار می‌رود؟ و نیز بسترهای کاربرد آن چه هستند؟ این نوع تحلیل را تحلیل گفتمان می‌نامند. تحلیل گفتمان یک تحول مهم در تحقیق کیفی است و با این فرض آغاز می‌شود که گفتمان در همه سطوح از گزارشات فردی تا گزارشات اجتماعی کلان اهمیتی کلیدی دارد (Punch, 2005: 224; Fairclough, 1992). این روش یکی از پراگماتیک‌ترین و پرطرفدارترین روش‌های تحلیل در بین محققان داخل کشور بوده و مورد توجه خاصی قرار دارد. لذا در خلال چند سال اخیر مطالعات متعددی با استفاده از این روش صورت گرفته‌اند. در این میان می‌توان کار فاضلی (۱۳۸۷: ۹۹) با عنوان «مسجد و مدرنیت: مروری تحلیلی و جامعه‌شناسی به گفتمان‌های مسجد در ایران»، بررسی کاظمی و آهوئی (۱۳۸۷: ۲۳) در زمینه «تبعیض سنی: ارزیابی گفتمان سیاست فرهنگی در هویت‌بخشی به جوانان ایرانی»، مطالعه نجاتی حسینی (۱۳۸۶: ۴۷) در خصوص

«سیاست‌های دینی و فرهنگ مردمی در ایران: تحلیل گفتمان انتقادی برنامه‌های توسعه (۸۸-۱۳۶۸)، و نیز تحقیق سلطانی و همکاران (۱۳۸۷: ۶۵) با عنوان «تحلیل گفتمان سیاسی رسانه‌ها» اشاره نمود. روش‌شناسان کیفی، به‌ویژه مردم‌نگاران، گفتمان را داده‌های مستند و تحلیل‌های گفتمانی را نیز بخشی از تحلیل‌های کیفی مردم‌نگارانه در نظر می‌گیرند (Wetherell, 2001:24). اصول اساسی تحلیل گفتمان را چنین برشمرده‌اند: ۱. زبان یک پدیده اجتماعی است، ۲. نه تنها افراد بلکه نهادها و گروه‌بندی‌های اجتماعی نیز دارای دانش، ارزش‌ها، و غیره هستند که به شیوه‌های منظم در زبان بیان می‌شود، ۳. متون واحدهای مناسب در زبان ارتباطات هستند، ۴. خوانندگان و شنوندگان گیرندگان منفعل رابطه با متون نیستند، و ۵. شباهت‌هایی بین زبان علم و زبان نهادها و غیره وجود دارد (Wodak and Meyer, 2001:6). همچنین چهار نوع جهت‌گیری در تحلیل گفتمان شامل زبان مورد استفاده، استفاده‌های زبانی، الگویابی زبانی مرتبط با یک فعالیت خاص، و کل ماهیت گفتمان به عنوان پدیده‌ای سیال و گیرنده‌ای شناور که در آن معنا خلق و به چالش کشیده می‌شود وجود دارد (Wetherell, 2003:7-9).

فرکلاف سه سطح از گفتمان، یعنی شرایط اجتماعی تولید و تفسیر متن، فرایند تولید و تفسیر، و خود متن را از همدیگر جدا می‌کند. بر اساس این سه سطح، سه بعد یا سطح گفتمان عبارتند از:

۱. توصیف: توصیف مرحله‌ای است که به ویژگی‌ها و ذخائر صوری متن ارتباط دارد.
۲. تفسیر: به رابطه بین متن و تعامل و به دیدن متن به عنوان محصول فرایند تولید و به عنوان منبع در فرایند تفسیر ارتباط دارد.
۳. تبیین: به رابطه بین تعامل و بستر اجتماعی و در واقع به تعیین اجتماعی فرایندهای تولید و تفسیر و تأثیرات اجتماعی آنها ارتباط دارد (Fairclough, 1989: 26; Til-scher and etal, 2005:150-151).

تحلیل گفتمان یک بدنه منسجم از نظریه، روش و عمل نیست، بلکه در درون رشته‌های متفاوت و یا سنت‌های گوناگون صورت می‌گیرد. از این نظر، تحلیل گفتمان بیشتر به عنوان یک حوزه پژوهش مطرح است تا یک روش واحد (Sapsfard and Jupp, 1996). در این زمینه جوب (Jupp, 1996:300) می‌گوید: گفتمان همه ابعاد یک ارتباط را مدنظر قرار می‌دهد. یعنی نه تنها محتوای آن، بلکه نویسنده آن (چه کسی می‌گوید؟)، امتداد آن (بر چه زمینه یا زمینه‌هایی؟)، مخاطبان آن (برای چه کسانی؟) و هدف آن (برای دستیابی به چه چیزی؟) مورد بررسی قرار می‌دهد. بر همین اساس، این نوع تحلیل در روش‌های تحقیق دیگر

تسخت عناوین تحلیل گفتمان نشانه‌شناختی، تحلیل گفتمان تاریخی، تحلیل گفتمان سیاسی، تحلیل گفتمان حقوقی و تحلیل گفتمان زیستی نیز مطرح شده است (Fairclough, 1992; Schiff-rin, 2003). سنخ‌شناسی دیگری از روش‌های تحلیل گفتمان توسط فرکلاف، لاکلاو و موفه و وداک صورت گرفته است (Titscher and etal, 2005: 145). هر یک از این شیوه‌ها طرح‌های تحلیلی ویژه‌ای از تحلیل گفتمان ارائه داده‌اند. در یک تقسیم‌بندی کلی، تحلیل گفتمان دارای دو سنخ تحلیل گفتمان انتقادی و تحلیل گفتمان فوکوئی است (Punch, 2004: 224).

تحلیل گفتمان انتقادی نوعی از تحقیق تحلیل گفتمان است که در وهله نخست به مطالعه شیوه‌هایی می‌پردازد که در آن سوء استفاده از قدرت، سلطه و نابرابری به وسیله متن و گفت‌وگو در بستر اجتماعی و سیاسی برنامه‌ریزی شده، باز تولید شده و مورد مقاومت قرار می‌گیرند. فرکلاف و همکارانش (Fairclough and Wodak, 1997) قواعد تحلیل گفتمان انتقادی را چنین خلاصه کرده‌اند: عنوان کردن مسائل اجتماعی روابط قدرت گفتمانی هستند. گفتمان امری تاریخی است و در رابطه بین متن و جامعه واسطه است. همچنین گفتمان شکلی از کنش اجتماعی است که جامعه و فرهنگ را می‌سازد، کار ایدئولوژیکی انجام می‌دهد (ibid: 271-280). آن‌ها همچنین بر رابطه متقابل بین فرد-گروه، کنش-فرایند، بستر-ساختار اجتماعی و شناخت شخصی و شناخت اجتماعی تأکید دارند.

۲. مردم‌نگاری انتقادی: داده به مثابه امر ایدئولوژیک

روش دیگر تحلیل انتقادی داده‌های کیفی روش مردم‌نگاری انتقادی^۱ است. در واقع، مردم‌نگاری انتقادی شاخه‌ای از روش‌های کیفی انتقادی معرفی شده است. این روش قبل از این‌که یک روش مستقل تحقیق باشد، یک جهت‌گیری خاص در راستای طرح مسئله، داده‌های مورد نیاز و به‌ویژه تحلیل داده‌های مردم‌نگارانه-کیفی است. پسوند انتقادی این روش آن را یک روش عموماً انتقادی با بنیان‌های پارادایم انتقادی تعریف می‌کند. این روش دارای سه اصل اساسی می‌باشد: ۱. همه اندیشه‌ها به‌طور بنیادی توسط روابط قدرت که از نظر اجتماعی و تاریخی ساخته شده‌اند، تعدیل و میانجی می‌شوند، ۲. واقعیات هرگز از حوزه ارزش‌ها جدا نیستند و نمی‌توانند جدا تصور شوند، و ۳. رابطه بین مفهوم و ابژه، و دال و مدلول هرگز ثابت و پابرجا نیست و عموماً توسط روابط اجتماعی تولید و مصرف سرمایه‌دارانه تعیین و میانجی‌گری می‌شود.

روش عمده تحلیل مردم‌نگاری انتقادی روش تحلیل بازسازی معنا و ارتباط آن با قدرت است.

1. Critical Ethnography

جدول شماره ۵. ده سؤال مربوط به تحلیل گفتمان انتقادی متن

الف: سطح واژه	ب: سطح گرامر	ج: سطح منابع متنی
<p>۱. ارزش‌های تجربه‌ای کلمات چه هستند؟</p> <p>– چه شمار طبقه‌بندی براساس آن‌ها ترسیم می‌شود؟</p> <p>– آیا کلماتی وجود دارند که به‌طور ایدئولوژیکی مورد ابراد قرار گیرند؟</p> <p>– آیا کلماتی وجود دارند که به شیوه دیگری گفته شده باشند یا پرگویی شده باشند؟</p> <p>– چه روابط ایدئولوژیکی مهم و معناداری بین کلمات وجود دارد؟</p> <p>۲. کلمات دارای چه ارزش‌های رابطه‌ای هستند؟</p> <p>– آیا دارای جلوه‌های خوش تعبیر هستند؟</p> <p>– آیا کلمات برجسته رسمی یا غیررسمی در آن وجود دارد؟</p> <p>۳. چه ارزش‌های بیانی (احساسی) در کلمات وجود دارد؟</p> <p>۴. چه استماره‌هایی به کار رفته‌اند؟</p>	<p>۵. مشخصه‌های گرامری دارای چه ارزش‌های تجربه‌ای هستند؟</p> <p>– چه نوع فرایندها و مشارکت‌کنندگانی تسلط دارند؟</p> <p>– آیا عاملیت مبهم است؟</p> <p>– آیا فرایندها آن‌طور که به نظر می‌رسند، هستند؟</p> <p>– آیا از تعادل‌سازی‌ها استفاده شده است؟</p> <p>– جملات فعال یا منفعل هستند؟</p> <p>– جملات مثبت یا منفی هستند؟</p> <p>۶. چه ارزش‌های رابطه‌ای در مشخصه‌های گرامری نهفته است؟</p> <p>– از چه شیوه‌های نحوی استفاده شده است؟</p> <p>– آیا مشخصه‌های مهمی از افعال رابطه‌ای وجود دارد؟</p> <p>– آیا ضمایر ما و شما به کار رفته است و چگونه؟</p> <p>۷. چه ارزش‌های بیانی (عاطفی) در مشخصه‌های گرامری وجود دارد؟</p> <p>– آیا مشخصه‌های مهمی از افعال بیانی وجود دارد؟</p> <p>۸. جملات ساده چگونه به هم دیگر مرتبط شده‌اند؟</p> <p>– آیا تداعی‌های معنایی منطقی به کار رفته‌اند؟</p> <p>– آیا جملات پیچیده با تعادل و یا با فرودستی به کار رفته‌اند؟</p> <p>– چه ابزارهایی برای ارجاع به درون و بیرون متن به کار رفته‌اند؟</p>	<p>۹. چه قراردادهای متقابلی به کار رفته‌اند؟</p> <p>– آیا شیوه‌هایی وجود دارند که یک مشارکت‌گر خاص بر دیگران کنترل داشته باشد؟</p> <p>۱۰. چه ساختارهای مقیاس کلانی در متن وجود دارد؟</p>

مأخذ: براساس فرکلاف، ۱۹۸۹: ۱۱۲-۱۱۰

ج. رویه‌های تحلیل داده‌های مشاهده‌ای

داده‌های مشاهده‌ای نیز همانند داده‌های متنی به شیوه‌های متفاوتی تحلیل می‌شوند. داده‌های مشاهده‌ای عمدتاً در رویه‌های تحلیلی تماتیک و مردم‌نگاری انتقادی تحلیل می‌شوند. با این حال،

داده‌های مشاهده‌ای به‌ویژه آن‌هایی را که در خلال کار میدانی و مردم‌نگاری گردآوری می‌شوند می‌توان به دو دسته داده‌های مشاهده‌ای متنی شده و داده‌های مشاهده‌ای تصویری تقسیم‌بندی و تحلیل کرد (Bauer and Gaskall, 2003; Sanjek, 1990; Ball and Smith, 1992).

الف. داده‌های مشاهده‌ای متنی شده: شامل یادداشت‌ها و ثبت‌های محقق از ابعاد پدیده یا میدان تحت مطالعه است. این نوع داده‌ها را از طریق شیوه یادداشت‌برداری یا نکته‌برداری می‌توان تولید کرد. یادداشت‌های میدانی خود شامل یادداشت‌های پراکنده، یادداشت‌های مشاهده‌ای مستقیم و یادداشت‌های استنباطی محقق هستند. یادداشت‌های پراکنده در حین گردآوری داده‌ها و به‌صورت پراکنده نوشته می‌شود. این نوع یادداشت‌ها مربوط به حافظه کوتاه‌مدت و موقتی محقق است و معمولاً در قالب کلمات یا عبارات کوتاه و گاه نامرتب به نگارش درمی‌آیند. یادداشت‌های مشاهده‌ای مستقیم یادداشت‌هایی هستند که همه جزئیات و مشخصه‌های آنچه را محقق در میدان تحقیق می‌بیند و می‌شنود دربر می‌گیرد، همچنین این یادداشت‌ها بعداً به عنوان دست‌نوشته‌هایی که می‌توان تفاسیر متعدد از آن ارائه کرد، به نگارش درمی‌آیند. یادداشت‌های استنباطی محقق یادداشت‌های هستند که حاصل درک و مقایسه محقق از آنچه می‌شنود و می‌بیند می‌باشد. هر سه نوع این یادداشت‌ها حاصل مشاهداتی هستند که محقق در میدان بررسی و در حین مشاهده صورت می‌دهد (Sanjek, 1990; Sapsford, 1996; Silverman, 2005; Newman, 2006).

ب. داده‌های مشاهده‌ای تصویری: این نوع داده‌ها شامل تصاویر و فیلم‌ها، کروکی‌ها و داده‌های بصری دیگری هستند که محقق در میدان تحقیق گردآوری می‌کند. داده‌های تصویری را می‌توان به دو شیوه کدبندی درون‌تصویری و کدبندی بین‌تصویری دسته‌بندی و تحلیل کرد. کدبندی درون‌تصویری عبارت است از استخراج معانی و مفاهیم درون یک تصویر یا یک فیلم با کدبندی فضای درونی تصویر یا عکس. بدین ترتیب که فضا، پدیده‌ها، رویدادها و معانی درون‌تصویر به مثابه متن کدگذاری و سپس دسته‌بندی و مقوله‌بندی می‌شوند (Newman, 2006). کدبندی بین‌تصویری، یعنی کدبندی هر تصویر به مثابه دربرگیرنده یک موضوع عمده کدبندی شده که در امتداد با زنجیره‌ای از تصاویر دیگر به فهم یک پدیده یا موضوع تحت مطالعه و یا میدان مطالعه کمک می‌کند. در این شیوه، روایت تصویری یک جریان یا برخی ابعاد موضوع تحت مطالعه ارائه می‌شود. علاوه بر این‌ها، برداشت تصویری واحد نیز وجود دارد که در این شیوه تحلیل از تصاویر خاصی می‌توان به تناسب موضوع مورد بررسی در موقعیت‌های متنی خاص استفاده نمود. به‌طور کلی، داده‌های مشاهده‌ای تصویری را نیز می‌توان به اشکال زیر در تحلیل‌های کیفی به کار گرفت:

۱. توصیف: داده‌های تصویری می‌توانند یک یا چند بعد رویداد یا موقعیت را چنان توصیف کنند که امکان آن با داده‌های صرف متنی وجود نداشته باشد.
۲. تکمیل: داده‌های تصویری می‌توانند در راستای تکمیل داده‌های متنی مورد استفاده قرار گیرند.
۳. تأیید: از داده‌های تصویری می‌توان جهت تأیید مفاهیم، مقولات/ تم‌ها، سنخ‌بندی‌ها و نیز استدلال‌های تحلیلی مبتنی بر آن استفاده نمود.
۴. توسعه: از داده‌های تصویری می‌توان برای بسط استدلال، توصیف و درک ارائه شده در تحلیل‌های کیفی استفاده کرد.
۵. استناد: داده‌های تصویری می‌توانند به عنوان اسناد متممی -مکملی در درون داده‌های متنی به کار روند.

نتیجه‌گیری

رویه‌ها و مدل‌ها تحلیل داده‌های کیفی از همان وسعت، تنوع، پیچیدگی و تعدد روش‌های کیفی برخوردار بوده و به‌نوبه خود ادبیات گسترده‌ای را شامل می‌شود. همان‌طور که دسته‌بندی‌ها و طرح‌های متفاوتی از روش‌های تحقیق کیفی پیشنهاد شده است، به همان میزان نیز رویه‌های تحلیلی متنوعی برای تحلیل داده‌های کیفی عنوان شده‌اند. علاوه بر این، برخی از این رویه‌های تحلیلی مورد بحث در این نوشتار، به استثنای روش تماتیک، خود نوعی روش تحقیق مستقل نیز محسوب می‌شوند. از این رو، ارائه شرحی تفصیلی و تا حد امکان همه‌جانبه از رویه‌ها و مدل‌های تحلیل داده‌های کیفی کاری بس دشوار و پیچیده است. نکته دیگر در دشواری تحلیل داده‌های کیفی، طیف وسیع این داده‌های به‌ظاهر یکنواخت است. دسته‌بندی‌های گوناگونی از داده‌های کیفی شده است که با روش‌های متعارف تحلیلی مذکور در این مقاله امکان‌پذیر نیست. برای مثال، تحلیل داده‌های مرتبط با بویایی و گفتاری یکی از این انواع است. به علاوه، هر نوع خاص از داده‌های کیفی مستلزم استفاده از یک یا چند رویه تحلیلی خاص است. در بسیاری موارد، محقق ممکن است در یک مطالعه، به‌طور همزمان دارای چندین نوع داده کیفی باشد. در چنین صورتی، استفاده از چند رویه تحلیلی مرتبط پیشنهاد می‌شود، با وجود این برخی از این رویه‌ها به دلیل همگرایی، واگرایی و یا تداخل تحلیلی محقق را دچار مشکل می‌سازند. گرچه سعی شد که رویه‌های تحلیلی مورد بحث در مقاله به صورت منظم و برحسب استفاده از نوع داده مشاهده‌ای یا متنی خاص معرفی و تشریح شوند، اما محققان می‌توانند از هر یک از رویه‌های مذکور و یا از برخی از آن‌ها به‌طور همزمان استفاده کنند. همچنین محققان کیفی

حتی می‌توانند برخی رویه‌های تحلیلی مانند تحلیل گفتمان، مردم‌نگاری انتقادی یا روش پدیدارشناسی به عنوان یک روش مستقل هم‌جهت طرح عمومی تحقیق و هم‌جهت تحلیل داده‌ها به کار گیرند. در برخی موارد نیز می‌توان از این رویه‌ها برای استفاده تحلیلی در روش‌های تحقیق کیفی دیگر نیز استفاده نمود. استفاده از تحلیل نظریه زمینه‌ای، تحلیل تماتیک یا روش نشانه‌شناختی در مطالعات مردم‌نگارانه یکی از این امکانات است. به هر روی، رویه‌های تحلیلی مورد بحث در مقاله علی‌رغم عنوان صوری آن می‌تواند برحسب نوع داده موجود یا تنوعات داده‌ای در پروژه تحقیقی به کار رود. برای مثال، چنان‌چه در پروژه تحقیقی داده‌ها از نوع متنی، نشانه‌ای، یا تصویری باشند، می‌توان از هر یک از رویه‌ها یا برخی از آن‌ها استفاده نمود، مشروط بر این‌که با طرح عمومی مسئله، اهداف و سؤالات تحقیق، رویکرد نظری مورد استفاده یا ابعاد دیگر طرح هماهنگ بوده و همسازي داشته باشد. برای نمونه، زمانی که هدف یک تحقیق کیفی، توصیف و تفسیر است و نه نقد و واکاوی انتقادی، محقق نمی‌تواند از تحلیل گفتمان انتقادی یا مردم‌نگاری انتقادی استفاده نماید. در مقابل، چنان‌چه هدف طرح و سؤالات آن در راستای افشای معانی و نشانه‌های پنهان در پدیده تحت مطالعه باشد، استفاده از رویه تحلیلی نشانه‌شناختی توصیه می‌شود.

منابع

- ایمان، محمدتقی و احمد محمدپور، ۱۳۸۳. «فرایند و پیامدهای نوسازی در کردستان ایران: مطالعه موردی شهرستان سردشت»، *نامه انجمن انسان‌شناسی*، سال سوم، نامه شماره، بهار و تابستان ۱۳۸۲: صص ۳۹-۱۱.
- توفان، الهه، ۱۳۸۵. «تحلیل نشانه‌شناختی شب و روز، اثر پن رز»، *فصلنامه هنر*، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۸۵: ص ۱۳۲.
- ذکائی، محمدسعید، ۱۳۸۷. «روایت، روایت‌گری و تحلیل‌های شرح‌حال‌نگارانه»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی: ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی*، سال هشتم، شماره ۲۸، نیمه اول ۱۳۸۷: صص ۶۹-۹۸.
- راوودراد، اعظم، ۱۳۸۶. «سینمای دینی ایران؛ مقایسه فیلم‌های 'کوپر' و 'تدمگاه'»، *فصلنامه نامه صادق*، سال چهاردهم، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۶: ص ۷۹.
- سعیدی، محبوبه، ۱۳۸۷. «تحلیل نشانه‌شناختی یک نگاره (گذر فریدون از اروند)»، *کتاب ماه هنر*، ماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب هنری، شماره ۱۲۶، اسفند ۱۳۸۷: ص ۵۴.
- سلطانی، علی اصغر و همکاران، ۱۳۸۷. «تحلیل گفتمان سیاسی رسانه‌ها»، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال یازدهم، شماره ۲ (پیاپی ۴۲)، تابستان ۱۳۸۷: ص ۶۵.
- عادل مهربان، مرضیه و همکاران، ۱۳۸۷. «تجارب روانی بیماران دارای استوما (کلستومی)، یک مطالعه

- پدیدارشناسی»، دو فصلنامه تحقیقات علوم رفتاری، سال ششم، شماره ۲ (پیاپی ۱۲)، ۱۳۸۷: ص ۱۱۹.
- عبداللہیان. حمید و همکاران، ۱۳۸۵. «روایت‌شناسی: موارد خاصی از بازاندیشی خویشتن زنانه در ایران»، *نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران*، شماره ۲۷، بهار ۱۳۸۵: ص ۵۷.
- فاضلی. نعمت‌الله، ۱۳۸۷. «مسجد و مدرنیت: مروری تحلیلی و جامعه‌شناسی به گفت‌مان‌های مسجد در ایران»، *پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی: ویژه‌نامه پژوهش‌های اجتماعی*، سال هشتم، شماره ۲۸، نیمه اول ۱۳۸۷: صص ۹۹-۱۳۲.
- قلی‌پور. آریز و همکاران، ۱۳۸۶. «بررسی صحت و سقم کلیشه‌های منفی زنان در سازمان‌ها»، *فصلنامه پژوهش زنان*، سال پنجم، شماره ۳ (پیاپی ۱۹)، پاییز ۱۳۸۶.
- کاظمی. عباس و ابراهیم محسنی آهویی، ۱۳۸۷. «تبعیض سنی: ارزیابی گفت‌مان سیاست فرهنگی در هویت‌بخشی به جوانان ایرانی»، *نامه علوم اجتماعی دانشگاه تهران*، سال شانزدهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۸۷: ص ۲۳.
- محمدپور. احمد و همکاران، ۱۳۸۷. «بازسازی معنایی پیامدهای تغییرات اقتصادی در منطقه اورامان تخت کردستان ایران: ارائه یک نظریه زمینه‌ای»، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، سال هفتم، شماره ۲۸: ص ۱۹۱.
- موسوی‌لر. اشرف‌السادات و بهاره بخارایی، ۱۳۸۷. «کاربرد نمادهای گیاهی در طراحی نشانه‌های معاصر ایران»، *فصلنامه هنرهای زیبا*، شماره ۳۷، بهار ۱۳۸۷: ص ۱۱۱.
- نجاتی‌حسینی. سیدمحمود، ۱۳۸۶. «سیاست‌های دینی و فرهنگ مردمی در ایران: تحلیل گفت‌مان انتقادی برنامه‌های توسعه (۸۸-۱۳۶۸)»، *فصلنامه نامه صادق*، سال چهاردهم، شماره ۳۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۶: ص ۴۷.

- Atkinson. P., 1992. *Understanding Ethnographic Texts*, London: Sage Publications Ltd.
- Auerbach. C. and L. Silverstein, 2003. *Qualitative Data: An Introduction to Coding and Analysis*, London: Sage Publications Ltd.
- Ball. M. S. and G. W. H. Smith, 1992. *Analyzing Visual Data*, London: Sage Publications Ltd.
- Bauer. M. and G. Gaskall, 2003. *Qualitative Researching With Text, Image and Sound: a Practical Handbook*, London: Sage Publications Ltd.
- Berg. B., 2006. *Qualitative Research Methods for the Social Sciences*, New York: Allyn and Becon.
- Blaikie. N., 2007. *Approaches to Social Inquiry*, London: Polity Press.
- Carspecken. P.F., 1996. *Critical Ethnography in Educational Research: A Theoretical and Practical Guide*, Routledge Press.
- Charmaz. K., 2006. *Grounding Grounded Theory: A Practical Guide Through Qualitative*

- Analysis*, London: Sage Publication.
- Coffey. A. and P. Atkinson, 1996. *Making Sense of Qualitative Data: Complementary Research Strategies*, London: Sage Publications Ltd.
- Corbin. J. and A. Staruss, 2007. *Basics of Qualitative Research*, Third Edition, London: Sage Publications.
- Cortazzi. M., 1993. *Narrative Analysis*, First Edition, Falmer Press.
- Creswell. J., 1998. *Qualitative Inquiry and Research Design: choosing Among Five Traditions*, London: Sage Publications Ltd.
- Crotty. M., 1998. *The Foundations of Social Research: Meaning and Perspective in the Research Process*, London: Sage Publication.
- Czarniawska. B., 2004. *Narratives in Social Science Research*, London: Sage Publications Ltd.
- Denzin. N., 2005. *The Sage Handbook of Qualitative Research*, London: Sage Publication Ltd.
- Depoy. E. and L. Gitlin, 2005. *Introduction to Research: Understanding and Applying Multiple Strategies*, Third Edition, Mosby Press.
- Dey. I., 1995. *Qualitative Data Analysis: A User-Friendly Guide for Social Scientists*, London: Routledge Press.
- Elliott. J., 2005. *Using Narrative in Social Research: Qualitative and Quantitative Approaches*, London: Sage Publications Ltd.
- Emerson. R., R. Fretz, and L. Shaw, 1995. *Writing Ethnographic Fieldnote*, Chicago: University of Chicago Press.
- Esterberg. K. G., 2002. *Qualitative Research Methods and Process*, Second Edition, London: Open University Press.
- Fairclough. N., 1989. *Language and Power*, London: Longman.
- Fairclough. N., 1992. *Discourse and Social Change*, London: Polity Press.
- Fairclough. N. and R. Wodak 1997. "Critical Discourse Analysis" In Teun A. van Dijk, ed., *Discourse as Social Interaction*. London, UK: Sage, Pp. 258-284.
- Feldman. M. S., 1995. *Strategies for Interpreting Qualitative Data*, London: Sage Publications Ltd.
- Fielding. N. and J. Fielding, 1985. *Linking Data*, London: Sage Publications Ltd.
- Gabrium. J. F., 1998. *Analyzing Field Reality*, London: Sage Publications Ltd.
- Glaser. B. and et al., 1967. *Discovery of Grounded Theory*, Transaction Publishers, U.S. Publisher.
- Glaser. B., 1978. *Theoretical Sensitivity*, Sociology Press.

- Glaser. B., 1998. *Doing Grounded Theory: Issues and Discussions*, Sociology press.
- Greimas. A., 1987. *On Meaning*, Minneapolis, University of Minneasota Press.
- Haralambos. M. and M. Holborn, 2002. *Sociology: Themes and Perspectives*, 6th Edition, London: Collins Educational Press.
- Iman. M.T. and A. Mohammadpur, 2009. "The Impact of Modern Education in The ouramanat Region of Iranian Kurdistan" In, *Quality & Quantity: International Journal of Methodology*, Springer Publishers.
- Lieblich. A. and R. Josselson, 1997. *The Narrative Study of Lives*, London: Sage Publications.
- Lofland. J. and et al., 2005. *Analyzing Social Settings: A Guide to Qualitative Observation and Analysis*, Belmont, CA, Wadsworth.
- Manning. P. K., 1987. *Semiotics and Fieldwork*, London: Sage Publications Ltd.
- Mason. J., 1996. *Qualitative Researching*, London: Sage Publications Ltd.
- Maxwell. J., 2004. *Qualitative Research Design: An Interactive Approache*, Second Edition, London: Sage Publications.
- May. T., 2002. *Qualitative Research in Practice*, London: Sage Publications Ltd.
- Mills. M. B. and M. Huberman, 1994. *Qualiataive Data Analysis: Sourcebook of New Methods*, London: Sage Publications Ltd.
- Mishler. E., 1991. *Research Interviewing: Context and Narrative*, Harvard University Press.
- Mitchell. R., 1993. *Scarcy and Fieldwork*, London: Sage Publications Ltd.
- Moustakas. C., 1994. *Phenomenological Research Methods*, First Edition, London: Sage Publications, Inc.
- Newman. L., 2006. *Social Research Methods: Quantitative and Qualitative Approaches*, Third Edition. London: Allyn and Bacon.
- Newman. L., 2007. *Basics of Social Research: Qualitative and Quantitative Approaches*, Second Edition, Allyn & Bacon.
- Patton. M., 2001. *Qualitative Research & Evaluation Methods*, London: Sage Publication Ltd.
- Punch. Keith, 2004. *Introduction to Social Research: Quatitative and Qualitative Approache*, London: Sage Publications Ltd.
- Ritchie. J. and J. Lewis, 2005. *Qualitative Research Practice: A Guide for Social Science Students and Researchers*, London: Sage Publication.
- Sanjek. R., 1990. *Fieldnotes: The Makings of Anthropology*. Ithaca: Cornell University Press.

- Sapsford. R. and V. Jupp, 1996. *Data Collection and Analysis*, London: Sage Publications Ltd.
- Schiffrin. D. and et al., 2003. *The Handbook of Discourse Analysis*, Blackwell Publishing.
- Schutt. R., 2004. *Investigating the Social World: the Process and Practice of Research*, Fourth Edition. London: Pine Forge Press.
- Seale. C., 1998. *Researching Society and Culture*, London: Sage Publications
- Shank. G., 2006. *Qualitative Research: A Personal Skills Approach*, Pearson, Merrill Prentice-Hall.
- Silverman. D., 2005. *Doing Qualitative Research*, London: Sage Publication.
- Singelton. R. and et al., 2005. *Approaches to Social Research*, London: Sage Publication.
- Titscher. S. and et al., 2005. *Methods of Text and Discourse Analysis*, London: Sage Publications Ltd.
- Turner. S. P. and P. A. Roth, 2003. *The Blackwell Guide to the Philosophy of the Social Sciences*, Wiley-Blackwell Publishers.
- Wetherell. M. and et al., 2003. *Discourse As Data*, London: Sage Publications Ltd.
- Wodak. R. and Michael Meyer, 2001. *Methods of Critical Discourse Analysis*, London: Sage Publications Ltd.
- Wolcott. H., 2005. *The Art of Fieldwork*, Second Edition, AltaMira Press.
- Wolcott. H., 2008. *Writing Up Qualitative Research*, Third Edition, London: Sage Publications Ltd.
- Wortham. S., 2001. *Narratives in Action: A Strategy for Research and Analysis*, London: Sage Publications Ltd.